



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سزالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۸۳۵

صفحه ۲۳۶۱

وزیر: سید محمد شاهی

۴ شنبه ۹ دی ماه ۱۳۲۶

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۴۷

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح بقیه مذاکرات سی و چهارمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۰
- ۲ - اخبار مجلس ۱۰
- ۳ - لوابیح ۱۶
- ۵ - آگهی های رسمی ۱۷

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۲۴۳

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یک شنبه ۶ دیماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب:

- ۱ - معرفی هیئت وزیران و تقدیم برنامه دولت از طرف جناب آقای حکیمی نخست وزیر
- ۲ - تصویب یک فقره اعتبارنامه و طرح یک فقره دیگر

مجلس ساعت پنج و سی پنج دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید

برای آسایش و رفاه حال هموطنان عزیزمان کوشش خواهیم نمود (انشاءالله) و موجبات رضایت خاطر مبارک ملوکانه و ملت و مجلس شورای ملی را بخواست خداوند بتدریج فراهم خواهیم آورد آقایان محترم مستحضرنده که اینجانب از جاه طلبی و خودنمائی و خیالات شیطانی و ظلم و تعدی و تبعیض تنفر دارم و اگر تصدیق و عزم راسخ نداشتم که بتناسب فرصتی که بنا میدهند و تقویتی که میفرمائید برای بهبود وضع مملکت و ملت جدو جهد میکنم هیچگاه باوضع مشکل امروز کشور قبول مسئولیت نمیکردم و خود را با نام نیکی که بفضل الهی تحصیل کرده ام در این دوره از زندگی دچار زحمت پیوده نمینومد بنابراین باستظهار بنیاید و توفیق و لطف خداوند که هواره امیدوارم در حال شامل ما باشد همکاران خود را معرفی و با اجازه مجلس شورای ملی شروع بکار مینمائیم و امید داریم بیش از پیش آقایان نمایندگان محترم برای بهبود احوال ملت از این دولت پشتیبانی فرمایند

- آقای دکتر محمد سجادی وزیر اقتصاد ملی
- مصطفی عدل وزیر مشاور
- علی معتمدی وزیر راه
- دکتر سیاسی وزیر فرهنگ
- دکتر عبد مالک وزیر بهداری
- ابوالحسن نجمت وزیر دادگستری
- تیمسار سیهبد بزدان بناد وزیر جنگ

بخدمات صمیمانه که در هر موقع بکشور نموده ام مورد تشویق ملت واقع شده ام اکنون که باز از طرف مجلس شورای ملی از روی کمال لطف باینجانب ابراز تمایل شده و از طرف اهلحضرت همایون شاهنشاهی نیز افتخار مأموریت تشکیل کابینه ریافته ام شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت را گناه میدانم (صعیح است) و با احترام اوامر ملوکانه و بمنظور امتنان از توجه ملت و نمایندگان محترم برای انجام خدماتیکه از من ساخته باشد مهیا شدم

اینجانب ادعائیکم انتظاراتی را که ملت ایران از یک دولت خدمتگذار صمیمی دارد در مدت کوتاه انجام دهم ولی باقوت قلب مرض میکنم که بتناسب فرصتی که مجلس شورای ملی بنا میدهند و درجه تقویت و مساعدتی که بفرمایند اطمینان کامل داشته باشند که اینجانب و همکارانم نشان خواهیم داد که برآستی و درستی و با کمال جدیت و صداقت و صمیمیت

رئیس - جلسه پیش بعنوان تنفس تعطیل شد صورت جلسه ندارد، آقای نخست وزیر دولت جدید را معرفی میکند بعد وارد دستور میشویم. سزوار - بنده اخطار نظامنامه ای دارم رئیس - آقای دکتر بقائی نیستند بنده متوجه هستم بعد از اینکه آقای دکتر بقائی آمدند اظهاراتشانرا مینمایند، آقای نخست وزیر بفرمائید.

۱- معرفی هیئت وزیران و تقدیم برنامه دولت از طرف آقای حکیمی نخست وزیر نخست وزیر - آقایان نمایندگان محترم شاید بعضی از دوستان اینطور تصور نمایند که برای اینجانب در این مرحله از عمر بهتر است از تحمل بار سنگین کار نخست وزیر احتراز و بنیازندگانی خود را با استراحت بگذرانم (صعیح است) (معمدهلی مسودی - اینطور نیست) ولی بنده خودداری هر ایرانی وطن پرست را با اوضاع بفرنج حکمونی از خدمتگذاری صادقانه بملکت جایز نمیدانم و نظر

● من بقیه مذاکرات مشروح سی و چهارمین جلسه از دوره پانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

نیسار سر لشکر فرج الله آقای اولی وزیر کشور آقای محمد علی وارسته وزیر پست و تلگراف وزیر خارجه و وزیر کشاورزی بمذاکره می خواهند شد وزارت کار هم فعلا تحت نظر وزیر مصلحتتصادمی خواهد بود تا تکلیف قانونی آن معین گردد (صحیح است) در باره برنامه تاکنون معمول بوده است که وعده های زرد بملت ایران و مجلس شورای ملی بدهند بدون اینکه فکر توانائی خود یا فرصت انجام آن را نمایند اینجانب بهتر میدانم که از اصلاحات و اقدامات آنچه باید زودتر شروع شود فعلا با اختصار بعرض برسانم بعد بتدریج آنچه ملت و مجلس شورای ملی از ما انتظار دارند و همان منویات خاطر مبارک ملوکانه میباشد که بارها بدولت امر فرموده اند بصورت لوائح قانونی بتصویب مجلس شورای ملی رسانده انجام دهیم . چنانکه عرض شد با اوضاع کنونی کشور وظایف دولت در خدمت بملت و مملکت زیاد است و انجام آنها محتاج بوقت و تقویت مجلس شورای ملی است و فعلا آنچه که مصمم هستیم شروع نمایم از این قرار است :

- ۱ - فراهم کردن تدریجی موجبات آسایش طبقات زحمتکش و تعدیل زندگی ملت مخصوصاً بوسیله سبک کردن بار تعینات ضمتا
- ۲ - حذف اعتباراتی که برای مخارج تجلی و غیر ضروری در بودجه منظور شده .
- ۳ - توجه مخصوص با اعتبارات و مخارجی که برای آبادی کشور و سلامت فرهنگ و آسایش عامه لازم است و نفع آن مخصوصاً عاید طبقات ضعیف میشود و زندگی آنها را بهتر میکند .
- ۴ - سعی در اجراء و رعایت دقیق قوانین برای ایجاد اعتماد و اطمینان در مردم و توسعه فعالیت آنان و مبارزه با فساد .
- ۵ - مراقبت در سهل و ساده کردن قوانین دادگستری بمنظور تسریع قطع و فصل دعادی و احقاق حق مردم .
- ۶ - جلوگیری از سوء استفاده هائیکه از قانون انحصار تجارت بضرر عامه بعمل می آید .
- ۷ - اصلاح تدریجی وزارتخانه ها ، آموزشگاهها و مؤسسات و اجراء قانون تعلیمات اجباری .
- ۸ - اصلاح و تقویت قوای تأمینیه بتناسب احتیاجات کشور .
- ۹ - تقدیم لوائحی بمجلس شورای ملی بمنظور اینکه مردم هر محل در امور مدنی خود از قبیل کارهای فرهنگی و بهداشتی و بلدی و غیره بیش از پیش مداخله نمایند .

سیاست خارجی دولت همواره سعی کامل در تشدید و تحکیم روابط حسنه و علائق مودت و رعایت کامل احترام متقابل با دول دوست مخصوصاً با ملل همسایه و توسعه ارتباط اقتصادی با آنها و وفاداری و هلاقمندی کامل بسازمان ملل متحد میباشد و نهایت کوشش بعمل خواهد آمد که علائق صمیمانه بین ما و دلهای بزرگ که با شرکت خودمان شالوده این سازمان را نهاده اند حکمت کرد .

در خانه از مجلس شورای ملی تمنا دارم در تصویب آنچه با انحصار اینجا عرض شده تسریع فرمایند

و اجازه بدهند مشغول کار شویم که انتظارات ملت ایران زودتر برآورده شود (صحیح است) .

رئیس - برنامه چاپ و منتشر میشود بین آقایان ، آقای دکتر بقائی

۲ - تصویب يك فقره اعتبار نامه و طرح يك فقره دیگر

دکتر بقائی - آقایان نمایندگان محترم ، در جلسه گذشته با اینکه مجال کافی نبود تا اندازه ای که ممکن میشد ذهن آقایان نسبت بچربان انتخابات اصفهان روشن گشت . یقین دارم که آقایان نمایندگان محترم در این باب همانطور که وجدان پاکشان را واهی نمیدهد داوری خواهند کرد ، و نتوانند شاهد است و محتاج نیست که این مطلب را بار دیگر تذکر دهم که من در این کار هیچگونه نفاق و جعلی نداشته و ندارم ، قبل از جریان امر بهیچوجه با آقای اهراز نیک بی آشنا نبودم و سابقه دوستی یا دشمنی در بین ما نبود مطالعه پرونده مفصل انتخابات اصفهان بامه گرفتاری که داشتم بسیار وقت مرا گرفت اگر می بینید در این مورد اینقدر بخود زحمت و با آقایان محترم در دست میدهم اطمینان داشته باشید که سوء جریان انتخابات اصفهان و اعمال نفوذ های غیر قانونی که در این مورد شده است بر من کاملاً مسلم و معزز گشته و اندک تردیدی ندارم که اگر هر يك از آقایان این پرونده های مفصل را مطالعه بکنند با من در صحت این مدعا همداستان خواهند بود . برای این که نمایندگان محترم اصول مطلب را بخاطر بیابورند بطور خلاصه یاد آوری میکنم که با دلایل مذکور در جلسه گذشته و شهادت پرونده و مستنداتی که در صحت آن هیچ جای تردید نیست صندوق قهپایه برای این باطل شده که پیشان در این صندوق اکثریت نداشتند ، این صندوق را بر خلاف میل مردم و حتی بر خلاف رضایت اعضای انجمن باطل کردند و با اعتراضات و شکایات مکرر اهالی که عیناً در پرونده منعکس است اندک توجهی نمودند ، در انتخابات سده و مبارین نشانه اعمال نفوذ از همین پرونده ناقص که اوراق زیادی از آن چنانچه در جلسه قبل بعرض رسید در دست نیست بخوبی پیدا است ، در این حوزه از مجموع ۸۳۲۰ رأی ۹۹۵ رأی اضافی از صندوق بیرون آمده در صورتیکه در همین ناحیه در دوره گذشته ۶۵۰۰ رأی در صندوق ریخته شده و بیش از پنج رأی اضافی نبوده است در بخش اردستان از ۵۷۹۰ رأی که در صندوق ریخته شده ۲۰۰ رأی اضافی بوده در صورتیکه در دوره گذشته در این حوزه ۳۶۱۴ رأی گرفته شده ، بیش از ۱۱ رأی اضافی نداشته است ، با وجود بیعدالتی و حق کشی که در مورد ابطال صندوق قهپایه شده در این حوزه هم توجهی بشکایات و اعتراضات مردم نسبت بسوء جریان اخذ آراء که از تعداد رأیهای اضافی بخوبی پیدا است نشده زیرا آقای اهراز نیک بی در این حوزه و سایر بیشتری برای اعمال نفوذ داشتند و آرای زیادی بدین طریق که ملاحظه میفرمایند بدست آوردند تعداد تفرقه هائیکه در حوزه های انتخاباتی در این دوره توزیع شده با تفرقه های دوره قبل در هر يك از حوزه ها تفاوت فاحشی دارد و در بعضی از نقاط به نسبت غیر قابل تصوری بالا

می رود و در بعضی دیگر با اندازه معتدلهای بیابن می آید و مجال بنظر میرسد که بطور طبیعی تعداد رأی دهندگان در این قبیل نقاط در فاصله دو سه سال این اندازه کم و زیاد بشود . آقایان نمایندگان استعفا میکنند برادران پرونده انتخابات اصفهان را بخوانید ملاحظه بفرمایید در مقابل اعتراضات و استشهادهای بسیار مفصلی که از طرف جوجه اهالی نسبت بچربان انتخابات شده است انجمن نظارت اصفهان چه جوابهای سست و بی پایه ای داده است و تا چه حد خود را رسوا ساخته و مشت خود را باز کرده است ، رئیس انجمن نظارت هنگام گرفتن شکایات وارده و دادن رسید قبل از مطالعه شکایات و رسیدگی کردن بموارد اعتراضات تحت تأثیر امیال و احساسات خود مطابق اسنادیکه در دست دارم در ضمن رسیدگی که میدهند همه را غیر وارد و شکایت کنندگان را مجهول الهویه معرفی میکنند و هنگام رسیدگی به شکایات برای دفع الوقت و ظاهر سازی بشهریانی دستور میدهند چند نفر از شاکیان معمولی را که در محل خود دور از مرکز انجمن بوده اند (و حاضر شدن آنها بعید بنظر میرسد برای ادای توضیحات حاضر کنند اما بسیاری از معاريف امضاء کنندگان را که در محل بوده اند دعوت نمیکند و در نتیجه پنهان حاضر نشدن معترضین بشکایات مستدل و موجه مردم نمیرسد ، آقای صاحب قرانی که در دوره چهاردهم بخشدار اردستان بوده است و در این دوره بخشدار ناحیه دیگر چون در امر انتخابات و شناسائی اشخاص و این قبیل مطالب دیگر که همه از آن آگاهند مهارت بسزا داشته در این دوره سمت بازرس باین ناحیه مقرر شده و همین شخص پس از اندوختن تجارب بیشتری هنگام پایان یافتن انتخابات اصفهان برای تجدید انتخابات ساوجبلاغ باین حوزه مأمور میشود تا از نتایج تجربیات او در این حوزه نیز استفاده گردد ، در هر حال اگر بغوا هم این قبیل نکات و دقائق را بشرح بیان کنم بدون تردید و اوراق کتابی خواهد شد که هر صاحب نظر و باریک اندیشی در آن رموز تزیین و تزیینات و دریا و دغل بازی و نادرستی را بخوبی میتواند فرخواند آقایان نمایندگان محترم ، اینهمه خلاف قانون و حق شکنی و بیادگری نسبت بحقوق مسلم ملی اعمال شد تا معاون نخست وزیر بناتق و برخلاف موازین قانونی از ناحیه ای بوکالت دارالشورای ملی انتخاب شود و ثابت گردد که در مقابل اغراض و مطامع افرادی معدود مصالح و منافع ملت در این کشور بهیچشده میشود ، تا بهمه کس معلوم گردد که عدالت و انصاف دیر گهای است در کشور ما مرده و حقو حقیقت بدست دژخیمان حقیقت کش جان سیرده است آقایان نمایندگان ، قانون ارنظر اصول و برای رعایت مقتضایات است که کاملاً معلوم است ، انتخاب وزیران و معاونین وزیران را در سراسر کشور منع کرده است زیرا صاحبان این مشاغل با استفاده از مقام خود میتوانند در انتخابات اعمال نفوذ بکنند و جریان را بنفع خود از طریق هادی و طبیعی منحرف سازند و از عدم بصیرت و بی اطلاعی مردم شهرستانهای در افتاده برای ارضای مطامع پست و اجراء مقاصد سوء خود استفاده کنند ، جایکه معاون وزیر از انتخاب شدن معلوم باشد معاون نخست وزیر بعرض اولی محروم خواهد بود و بسیار جای تعجب و تأسف است که امروز

باستناد اینکه نام نخست وزیر و معاون او سر یحیاءدر قانون ذکر نشده در حالیکه وزیر و معاون او از انتخاب شدن محرومند به رئیس وزیران و معاون او اجازه بدهیم بر هیچ پروا در انتخابات شرکت کنند و خود را بر مردم تحمیل نمایند . این حقیقی است که هر فرد هادی و هر طفل ابجد خوان کودنی میفهمد و ملاحظه بکنید انحطاط و تدنی اخلاقی در کشور ما بچه پایه رسیده است که در مقابل منافع فردی حتی قانون دانان زبردست مامم خود را بتادانی میزنند و تجاهل میکنند و در برابر این بی نظمی ها و قانون شکنی ها نه تنها ساکت نمی بنشینند بلکه بی پروا در کمال حرارت بدفاع از آنها برخیزند و با منطقی مقاضا و سفسطه میگویند

ح - مسلم ملت را اینها بتوضیح و روشن یابمال کنند . تصور نشود این گستاخیه ها از نظر مردم پوشیده است بعکس مردم ایران بسیار خوب حق و باطل را تمیز و تشخیص میدهند و خادم و خائن را میشناسند هر چند قدرت اقدام و عمل از مردم کشور ماسلب شده و بهمه چیز بی اعتنا گشته اند و این بی اعتنائی نمیکند مانند مردم زنده دنیا خود برخیزند و بخادم پادشاه و پادشاهان کبر دهند . در اینجا یک حکایتی بخاطرم رسید بطور جمله مترضه خدمت آقایان عرض میکنم یکی از رجال سیاسی بزرگ دنیا و انگلستان مستر بالدین که چند روز قبل از دار دنیا رحلت کرد در شرح حال خود مینویسد که در یک زمانی رئیس الوزرا بود و در همان موقع روز پنجم پادشاه انگلیس بسختی مریض شده بود ، خیلی سخت ، نزدیک موقع انتخابات هم بود ، در انگلستان البته وزراء میتوانند انتخاب شوند ، نخست وزیر هم میتواند انتخاب شود و آنجا هم میدانید هر دوره ای یکی از احزاب بزرگ آنجا یاحزب محافظه کار یا حزب کارگر پیش میافند در انتخابات و آن دولتی که سر کار هست هیچوقت اعمال نفوذ نمیکند که نگذارد رقیبش جلو بیفتد و در آنجا انتخابات حقیقه آزاد است همینطور که در مملکت ما نیست . تعریف میکنند در آن موقع مستر بالدین کارش زیاد بود يك روز رئیس دفترش آمد و باو اطلاع داد که نمایندگان جراید حاضر شده اند برای اینکه باو مصاحبه بکنند و اخباری ازش بپرسند رئیس دفترش میگوید که خبری ندارم با آنها بدهم و عذرشان را بخوابید چون حالا گرفتارم زیاد است رئیس دفتر میبرسد بهشان بگویم که پادشاه مریض است رئیس دفتر میرود بیرون که این خبر را بمدریان جراید بدهد یکدفعه مستر بالدین از اطلاق می آید بیرون میرود توی راه و رئیس دفتر خودش را صدا میزند و میگوید که راجع بکسالت پادشاه باروزنامه نویسا هیچ صحبت نکنید خوب رئیس دفتر هم اطاعت میکند و تمام میشود بعد که آروز میگردد و کارشان تمام میشود در يك موقع خلوتی رئیس دفتر میبرسد چرا جناب عالی فرمودید که راجع بکسالت پادشاه چیزی بروزنامه نویس ها (این را آقایان خواهش میکنم دقت بفرمایند این حقیقت را) جواب میدهند چون ملت انگلستان از بحران خیلی میترسد و در موقع بحران تاریخ نشان داده که همیشه آن دولتی که در رأس کار بوده دوباره اعتماد خودش را بهشان دولت نشان داده است کما اینکه در این دو دوره چنگ که شنیده اید همان دولتی که سر کار بوده است تغییر نکرده است

اگر محافظه کار بوده اگر کارگر همان دولت تا خانه چنگ باقی مانده است ، میگوید چون ملت انگلستان از بحران میترسد و اگر فکر يك بحرانی بکنند البته نمایندگان حکومت را تغییر بدهد و حتماً رأی بجزب ما خواهد داد من فکر کردم که اگر این خبر را بدهم يك اصال نفوذ غیر حقیقی در انتخابات کرده ایم که بنفع خودمان استفاده کرده ایم . بین تفاوت ره از کجاست تا کجاست ، من از اینجا بگزارش شمه راجع بانخابات تهران استناد میکنم زیرا این گزارش مورد تصویب مجلس واقع شده است آقایان میدانند جناب اشرف آقای قوام السلطنه در همین احرار سمت نخست وزیر از طهران بوکالت انتخاب شدند و انجمن نظارت انتخابات با علم بمقررات قانونی از ایشان استعلام کرد که وکالت را میبپذیرید یا نه ؟ شمه مأمور رسیدگی بگزارش انتخابات طهران یعنی شمه ۴ اصولاً این استعلام را بی مورد دانست هر چند ایشان وکالت را نپذیرفتند اما در هر حال شایسته نبود انجمن نظارت يك چنین خلاف قانون واضحی را مرتکب بشود با اینکه در این انجمن برگزیده ترین افراد قضائی کشور عضویت داشتند و لوائیکه گزارش شمه چهارم بتصویب مجلس رسیده ولی بهر طریق شمه ۴ این ایراد را بانجمن دارد که چون جناب آقای نخست وزیر اصولاً برطبق قانون نمیتواند انتخاب شوند پس از استخراج آراء انجمن نظارت نباید از معظمه استعلام مینمود (دکتر امینی - استعلام شده ما که در انجمن بودیم هیچوقت استعلامی نکردیم) این عین گزارش شمه چهارم بود . در مورد آقای اهراز نیک بی نیز با آنکه ایشان در حین اجراء انتخابات معاون نخست وزیر بودند انجمن نظارت انتخابات اصفهان نمی بایست انتخاب ایشان را قانونی تلقی کند و اعتبارنامه ایشان بدهد و چون اعتبارنامه داد و خطائی کرد مجلس نباید این خلاف قانون را تجویز کند ، مجلس که خود يك بار بگزارش شمه انتخابات طهران رأی داده است و انتخابات نخست وزیر وقتاً غیر قانونی تلقی کرده است مجلس که تنها مرجع تفسیر قوانین است و روح قانون و مقصود قانون گنار را بخوبی درک میکند و تشخیص میدهد ما در جریان انتخابات شاهد وضع بسیار تأسف آوری بودیم ، وزیری با حفظ مسند و نفوذ وزارت مقدمات انتخابات خود را از ناحیه ای فراهم میساخت و روزی که انتخابات شروع میشد موقتاً از کار کناره میگرفت و احیاناً من غیر رسم کار وزارت را نیز ادامه میداد و پس از خانه انتخابات مجدداً بکار خود باز میگشت تا ظاهر را درست کرده باشد تا اگر ایراد بگیرند بگویند در جریان انتخاب وزیر نبوده ام ، آقایان نمایندگان محترم شما مردمی با وجدان و شریف و قانون دان هستید آیا این طرز انتخاب را وجداناً قانونی تلقی میکنید ؟ در مورد آقای اهراز نیک بی لاقول این مقدار هم ظاهر سازی نشده و ایشان بوکالت انتخاب شدند در حالیکه سمت معاونت نخست وزیر را ادامه میدادند و من غیر رسم وزیر پست و تلگراف هم بودند موضوع معاونت آقای اهراز نیک بی هنگام انتخابات اصفهان امریست مسلم اگر چه ایشان پس از طرح موضوع در شمه مدرکی که باسانی معلوم است در همان هنگام بدست آورده اند و ارائه داده اند که در جریان انتخاب فقط سمت منشی مخصوص نخست وزیر را داشته اند اما

میگذاشتند مصدر ختمی بشود از راه راست منحرف ساخته و مردم را باو بد بین کردند و حسن شهرت او را از میان بردند و بزرگترین خیانتها را باو روا داشتند و در مقابل این همه نسبت نا درستی و سوء استفاده مادی و معنوی که جراید با آنها هلنا دادند تنها بتوقیف و حبس و زجر مدیران روزنامه اکتفا کردند و حتی یک روز هم نتوانستند با دلیل و برهان در مقابل ایشان بایستند و پاسخ بگویند یا لااقل تکذیب کنند در صورتیکه هر مرد شریف و پاکدامنی مرکز را بر تهمت ناپاک و نادانستی ترجیح میدهد و برای او بهتر است ببرد و تهمت ناپاک و نادانستی نشود چطور شد که این عده در مقابل این تهمت ها سکوت کردند و پاسخ نگفتند برگردیم بوضع در هر حال این جریانات بود و همه مردم دیدند و شاهدند اکنون اگر مجلس بیاید و باعتبار نامه ایشان رأی بدهد در حقیقت این قانون شکنیها را تصویب کرده است و در این حال چگونه میتواند از مردم انتظار داشته باشد که بقوانین احترام کنند و این لجام گسیختگی را که از نظر سربچی از رعایت مقررات قوانین امروز در جامعه ما شدت حکم فرما است و اساس همه قوانین بشمار می رود بچه ترتیب میتواند از میان بر دارد و جبران و اصلاح کند؟ آقایان نمایندگان محترم پیش از مراد مردانی با فداکاری و جانبازی بنان این مجلس مقدس ملی را بر پایه استوار و متین بنا نهادند و تا بودند در نهایت نیکنامی و تقوی از این اساس نگاهداری کردند و چون رفتند این امانت را با کمال صداقت باخلاف سیرند مابهم وظیفه داریم این بار امانت را همانطور که از اسلاف خود گرفته ایم باخلاف بیاری مادر این جا هر چه بگوئیم نتیجه قضاوت ما هر چه باشد مردم در هر حال حاضر و تاریخ در زمان آینده بدون هیچگونه پرده پوشی و ابهام در آن داوری خواهد کرد و این کرامت گذشته زمان حقایق را چنانکه هست و چنانکه ما میدانیم در معرض افکار آیندگان خواهد گذاشت پیش از توجه آن بوده است آن کس از تو گویند نکور بود ره روزم فلان را آینه گان هاری از هر گونه حب و بغض گفتار و کردار ما را بیزان حق و عدالت خواهند سنجید و من تنها از این نظر است که می خواهم بشنوان شب شکوا آنچه در دل دارم امروز بیزان آورم و هیچ پرواندارم که تاثیر بکنند یا نکنند چون من از آن افراد نیستم که فدای خود و خانواده خود را بامروز این و آن بفروشم و آبروی حق و حقیقت را در پیش پای عمر و وزید بریزم و مصالح عالی ملت را فدای منافع آنی افروزم. کم من و امثال من دیر یا زود میرویم اما این ایران است که باید باقی بماند (صحیح است) بقای ایران نیز مخصوصاً در این روزگار که پایه بسیاری از مبانی اخلاقی در کشور ما سست شده و فرو ریخته است تنها زاین راه میسر میتواند بود که در مقابل سهل انگاریهای گذر جامعه ما نسبت باصول و موازین اخلاقی و قانونی و اجتماعی میشود باشاری و استقامت و نیت هزم و وقت اراده نشان بدهیم و باین بهانه که یک یازوی ضعیف در بر گردانیم یک جریان عظیم و انحراف آن تاثیر نمیتواند داشت چنانچه امروز شیوه اینها زمان است خود را نثر بیم و این استدلال مستور واهی را دستاویز خطاهای کشور بر داده بکنیم آقایان نمایندگان محترم، اگر میخواهید که مجلس

شورایی در جامعه و زنی مقامی که نایست آن است داشته باشد قوانین و احکام او اجرا شود مردم بدیده احترام بدوبنگرند شما که متولیان این امامزاده اید خود حرمت او را نگاهدارید (سزاوار متولی نیست اقا شما که خود قانون گذارید قانون را بکنار نگذارید اندک انحرافی که از موازین قانونی مشاهده میکنید چشم نپوشید و باغماض نگذرید زیرا بهر صورت افرادی ممدود را باید فدای مصالح اجتماع کرد و این قانون است که در هر حال مصالح جامعه را در بردارد بسیار جای تاسف است که مجلس شورای ملی در چند مورد نشان داد که بآنچه خود وضع کرده و بان نام قانون نهاده بی اعتنا است، مراعات دوستی در زندگانی البته واجب است آقای برزین مراعات دوستی در زندگانی البته واجب است شما حق دارید و می توانید در مقابل دوست خود و در برابر حق مبارزه و شناسائی از مال خود و آنچه که متعلق بشماست هر چه میخواهید ببخشید اما نه قانون و نه وجدان بشما اجازه نمیدهد حق ملت را فدای حق دوستی کنید (صحیح است) و چون همه میدانید جرایم این بکنم و صریح نگویم که مجلس شورای ملی در این مدت کوتاه چند بار اینکار را کرده و برفم احساسات عمومی و قانون آقا چرا بنده را مضاط قرار دادید) از لحاظ ارادتی که بزرگوار دارم، اینهم یک مورد است لاف در این مورد کسانی را که تردید دارند آگاه میکنم تا متوجه نتیجه اقدام خود باشند اینک میگویی کسانی را که تردید دارند از آن جهت است که در مجلس لامعاه عده ای هستند که ممکن نیست بهیچ وجه آنان را از راهی که میروند برگرداند و عده ای هم که امیدوارم اکثریت داشته باشند بی شک پیرو حق و عدالتند اما آنها که تردید دارند و نمیتوانند که در قضاوت خود جانب دوستی و سایر مقتضیات فردی و آنی را رجحان دهند باانصاف و حقیقت را اینها هستند که باید امشب استقامت و نیت هزم نشان دهند و از نظر دوستی و شخصی فداکاری نکنند و نگذارند تا باطلی در معرض حق در آید حتی بلباس باطل جلوه کند، اینها هستند که نمیتوانند با ردیگر مردم را بمجلس امیدوار کنند و این امیدگی هارا به آرمیدگی بدل سازند، من از وجدان ایندسته استمداد میکنم، اگر سخنان را خالی از روی وریا دیدند، اگر دلالی که ذکر کردم مشخص و قطعی تشخیص دادند، اگر وجدان پاکشان گواهی داد که درست میگویی به ندای وجدان خود پاسخ گویند و کمک کنند تا نگذاریم لاف در این بار حق مسلم مردم ضایع و یا بطل گردد.

(در اینصورت ناطق شکایاتی را که از اصفهان رسیده بود ارائه داده و بسختان خود چنین ادامه دادند)

اینهاست شکایاتی که مردم اصفهان کرده اند و همینطور که عرض کردم خدمت آقایان نمایندگان انجمن نظارت اصفهان اینها را مجهول الهویه تشخیص داده است (فراموشی) آقای دکتر بقائی یک نسخه است یا نسخ متعددی است (نسخ متعددی است با مضامین مختلف، دوتا از این شکایات یک نسخه است و هر کدام مربوط با انتخابات یکسخت

است اینها نمونه شکایاتی است که بانجمن نظارت اصفهان داده شده.

رئیس - آقای اردلان.

اردلان - پیش از پنجم است که مجلس یازدهم افتتاح یافته (در اینصورت مجلس از اکثریت افتاده و پس از چند لحظه با ورود چند نفر از آقایان اکثریت حاصل گردید) بنده از آقایان نمایندگان محترم استعلام میکنم که بشماره ۸۰ توجه داشته باشند و بیرون هم که میخواهند تشریف ببرند مجلس از اکثریت نیفتد که ماتکلیف این اعتبارنامه های مربوط با انتخابات اصفهان را تعیین کنیم و تمام کنیم (صحیح است) بیش از پنج ماه است که از افتتاح دوره یازدهم تقنینیه میگذرد و امشب است که مادامیکه اعتبار نامه اصفهان را مورد بحث قرار داده و صحبت میکنیم اگر در موقع افتتاح مجلس یازدهم نمایندگان اصفهان تشریف نداشتند و انتخابات آنجا دیر تر شروع شده بود خوب یک امر طبیعی بود میگفتیم انتخابات آنجا دیرتر شروع شده و نمایندگان آنجا هم دیرتر آمدند البته اعتبارنامه های آنها هم باید دیرتر مطرح شود اما این طور نبود در موقعی که مجلس یازدهم افتتاح شد آقایان نمایندگان محترم اصفهان هم در افتتاح حضور داشتند و اینکه پنج ماه است این قضیه موقوف مانده است علتش تحقیق دقیقی بوده است که شعبه مربوطه نسبت برسدگی باین اعتبارنامه بعمل آورده یعنی یک کاری که شاید در هیچ دوره ای سابقه نداشته و کمتر سابقه داشته این شعبه اول که مأمور رسیدگی با اعتبارنامه های مربوط با انتخابات اصفهان بوده بعمل آورده بساین ترتیب که بوزارت کشور نوشته است چنانچه آقای دکتر بقائی هم تذکر دادند پرونده انتخابات را آوردند بر کر و شعبه یک مرتبه یک سو کمیسیون رجوع کرده بود و برای این که بهتر باز قضیه حلای شود یک سو کمیسیون مجددی هم رجوع کرد پس از چند ماه تحقیق و مطالعه بالاخره گزارش خود را راجع با اعتبار نامه آقایان از آنجا نیک بی و دو نفر از آقایان دیگر بمجلس شورای ملی تقدیم کردند بنا بر این آن قانون که در مملکت دو مرکز صلاحیتدار حق رسیدگی در انتخابات را دارد یکی انجمن نظارت مرکزی و دیگری شعبه مجلس شورای ملی که بطور قرعه انتخاب می شود آنچه لازمه دقت و مطالعه باشد نسبت باین پرونده نموده نماینده محترم آقای دکتر بقائی در این جا بی لطفی فرمودند یک قسمت از اعتراضات را از پرونده قرائت فرمودند ولیکن آن مدارکی که مبنی بر رد آنها بود بهیچوجه نخواندند و توجه نفرمودند عرض کنم آقای نراقی مخبر شعبه یک اگر مجلس اجازه بدهد تشریف خواهند آورد و مفصل راجع باین قضیه صحبت خواهند نمود بنده بطور خلاصه از نظر وضعیت عمومی خواستم این موضوع را عرض کنم و مورد بحث قرار بدهم که اگر حقا جناب عالی میخواستید که فرمایشاتتان را مورد توجه قرار بدهند خوب بود همانطوریکه اعتراض متعرضین را قرائت فرمودید رد اعتراض را هم می خواندید که افلا مجلس هم میتواند قضاوت کند و الا یک

حوزه انتخابیه ای که چهار یا پنج نفر داوطلب انتخاب آنجا هستند و قانون انتخابات پیش از ۳ نفر را اجازه نمیدهد طبقاً آن کسانی که انتخاب میشوند از جریان انتخابات شکایت میکنند انجمن نظارت مرکزی و شعبه مجلس شورای ملی باین اعتراضات دقیقاً رسیدگی میکند وقتی آن اعتراضات را وارد ندانست انجمن اختیار نامه میدهد و شعبه هم گزارش بمجلس میدهد حالا اگر یک نماینده ای آمد اینجا و بعضی از شکایات را هم خواند حق بود که رد آن اعتراضات را هم میخواند تا ما نمیتوانستیم قضاوت نکنیم و اینجا جناب عالی بی لطفی فرمودید یکی از آقایان نمایندگان آقای فولادوند از آقای دکتر بقائی سؤال فرمودند که این پرونده ها را که قرائت فرمودید از کجا گرفتید فرمودند یکی از آقایانی که در انتخابات شرکت کرده بودند آقای حسام دولت آبادی این ها را با ایشان داده بود بنده خواستم این جا دو کلمه عرض کنم که آقای دولت آبادی یکی از شخصیت های برجسته این مملکت هستند (صحیح است) بنده شخصاً با ایشان کمال ارادت را دارم و در دوره گذشته افتخار همکاری ایشان را در مجلس داشتم دوراً کمربن ما عضویت داشتند ولی چه میشود کرد وقتی چهار کاندید است و قانون ۳ نفر معین کرده من آرزویم این بود که اصفهان چهار وکیل داشت آقای دولت آبادی هم الان اینجا تشریف داشتند ولی وقتی که قانون ۳ نفر را معین کرده است چاره نیست چهارمی نباید انتخاب شود در دوره گذشته عین همین وضعیت بود که آقای دولت آبادی انتخاب شدند و آقایان از آنجا نیک بی با اینکه هیجده هزار رأی داشتند نفر چهارم شدند از اصفهان خوب ایشان هم بودند و تحمل کردند و در این دوره مبارزه کردند و شانس شان هم یاری کرد و موفق شدند اینکه ایراد نیست اما اهالی اصفهان اظهار اعتماد کردند بیک نفر که همین آقای اعزاز نیک بی باشد بسبب اینها چه سابقه ای در اصفهان دارند ده سال متوالی ایشان از طرف اهالی شهر اصفهان بمضویت انجمن شهر داری انتخاب شدند یک کسی که یک همچو سابقه ای داشته باشد و ده سال از طرف اهالی انتخاب بشود این را میشود گفت وکیل غیر طبیعی است آقا آقای اعزاز نیک بی در دوره چهارده که دولت دستور داده بود که انجمنهای ولایتی انتخاب بکنند ایشان انتخاب شدند و رئیس انجمن ولایتی شدند اینها یک سوابقی است که ایشان در آنجا داشته اند و بنا بر این نمیتوانیم ما بگوئیم که ایشان بدون جهت انتخاب شدند و بعداً مرض خواهم کرد که در اثر اینکه بصکوفتی معاون نخست وزیر بودند در زمان معاونت نخست وزیری انتخاب شدند و امانتنامه محترم آقای دکتر بقائی در موقعیکه شکایات راجع بجریان انتخابات را فرمودند مسائل بسیاری فرمودند که البته آقای نراقی مخبر شعبه دفاع خواهند فرمود فقط من چند نکته را یادداشت کرده بودم استدعا میکنم توجه فرمائید و از آقایان نمایندگان محترم هم استدعا میکنم توجه فرمائید که اینجا آقای دکتر بقائی واقفاً از روی عدالت و انصاف قضاوت فرموده اند یا اینکه عدالت را رعایت فرموده اند آقای دکتر بقائی قریب سه ربع ساعت راجع بحوزه انتخابیه قهپایه صحبت فرمودند

حوزه انتخابیه قهپایه، که انجمن نظارت مرکزی آرایش را باطل حساب کرده است و گفته است که این آراء صحیح نیست آقای دکتر بقائی میفرمایند که خبر این آراء باید حساب شود و صحیح بوده و بایستی قرائت بشود بنده میگویم که نظر انجمن نظارت انتخابات صحیح نبود و نظر آقای دکتر بقائی صحیح بوده و بایستی این آراء خوانده شود مجموع آراء حوزه قهپایه ۳۴۰۰ رأی بوده است اگر تمام آن آراء را بشخص چهارم که داوطلب حوزه انتخابیه اصفهان بوده بدهیم و فرض کنیم آقای اعزاز نیک بی هم یک رأی نداشتند تازه تاثیر در انتخاب آقای اعزاز نیک بی نمیکرد (دکتر بقائی پس این قسمت را قبول دارید) اجازه بفرمائید بنده در موقع صحبت جناب عالی هیچ صحبتی نکردم گزارش شنبه میگوید که در ۱۸۸۴ رأی که در حوزه انتخابیه اصفهان گرفته شده آقای اعزاز نیک بی ۲۸۰۲۰ رأی داشته بنا بر این آقای اعزاز نیک بی از شخص چهارمی بیش از ده هزار رأی اضافه داشت فرضاً که صندوق قهپایه تمام آرایش را میخواندند و آقای اعزاز نیک بی هم در آنجا رأی نداشتند تازه چه تأثیری داشت بنا بر این جناب عالی وقتی فرمودید که صندوق حوزه انتخابیه را حقا باید قرائت کنند خوب بود افلا این موضوع را هم رعایت میفرمودید تا آقایان نمایندگان محترم قضاوت بکنند میفرمودید تا آنچه میگردند که اگر تمام آراء این صندوق را هم میخواندند تازه تأثیر نمیکرد و اما راجع بیک حوزه انتخابیه دیگر فرمودید که بخشدار آنجا یک کافندی نوشته است با آقای اعزاز نیک بی و سفارش کرده است که بیک نفر یک کاری بدهند و آقای اعزاز نیک بی هم یک توصیه ای بیک وزارتخانه ای کردند که باین شخص کار بدهید اولاً این کافند چرا دست ایشان است کافندی که بخشدار ما در این می نویسد با آقای اعزاز نیک بی دست ایشان چه میکند؟ خیلی خوب حالا آمدیم که این شخص یک اعلامیه ای داده است که انتخابات آنجا صحیح نیست شما را بخدا این دلیل این میشود که اگر یک کسی آقای اعزاز نیک بی سفارش کرده اند که بهش کار بدهند حالا کار داده اند یا نداده اند بعداً این آدم یک اعلامیه ای صادر میکند که انتخابات آنجا صحیح نیست این را میشود مدركی برای ابطال انتخابات دانست این از عدالت و انصاف دور است بدهم در بیانات امشبشان آقای دکتر بقائی یک منلی از رئیس الوزرا انگلستان فرمودند و کسالت یادش انگلستان که بنظر من شوخی بیشتر بود برای اینکه پادشاه یک مملکتی وقتی مرض میشود اطباء مخصوص حتماً هر شب بیانه میدهند و در جراید منتشر میشود چطور ممکن است یک رئیس الوزرا بگوید که نظیر پرونده نویس ها نکوئید که شاه مرض است خبر این بنظر بنده شوخی نباید و بهیچ وجه صحت ندارد و اما راجع بصلاحت آقای اعزاز نیک بی که فرمودند معاون نخست وزیر بودند بنده خودم بگوش خودم در رادیو شنیدم که ایشان از معاونت نخست وزیری و وزارت پست و تلگراف استفاده دادند وقتی استفاده دادند انتخابات آنجا شروع شد اگر بعد از این انتخاب شدند مجدداً نخست وزیر ایشان را معاونت نخست وزیری برقرار کرده اند این چه گناهی برای ایشان میشود در حین جریان انتخابات ایشان

معاون نخست وزیر نبوده اند وزیر پست و تلگراف هم نبوده اند اما آقای دکتر بقائی يك فرمایشی فرمودند که خیلی بنظر من جالب توجه بود و من یادداشت کردم ایشان فرمودند فرضاً هم که ایشان معاون نخست وزیر نبوده اهالی اصفهان ایشان را باین سمت میشناختند اینهم شد دلیل که اهالی اصفهان توی دلشان خیال کنند که ایشان مقام معاون نخست وزیر را دارند و این مبطل انتخابات نیست و هیچ همچو چیزی نیست قانون انتخابات مینویسد که کسی اگر وزیر یا معاون بود از حق انتخاب شدن محروم است اما اگر اهالی يك ولایتی توی دلشان تصور کنند، که این ایرادی نیست برای اینکه در رادیو و در تمام جراید ایشان اعلان کردند که من نه وزیر پست و تلگراف هستم و نه معاون نخست وزیر و اما اینکه بنده آمدم اینجا حقیقتاً يك چند کلمه بر له انتخابات اصفهان صحبت بکنم فقط از یک نظر بود که آقایان نمایندگان محترم بغضر بیاورند که از زمان قمرت خواستم عرض بکنم اگر بنده آمدم اینجا و بر له انتخاب آقای اعزاز نیک بی اجازه خواستم که صحبت بکنم و مصدع آقایان باشم از این لحاظ بود و خواستم این را برای تشویق خدمتگزاران این مملکت در این محل رسمی عرض کرده باشم آقایان نمایندگان محترم بغضر بیاورند که در موقعی که قمرت بود یک عده ای از ماجراجویان در یک قسمتی از آذربایجان که مهاباد باشد هجوم کرده بودند اتفاقاً نماینده محترم آقای عباسی ماجراجویی آنها را در بیان خودشان تشریح کردند و تمام این مملکت هم خوب اطلاع دارند که در همان زمان این آقایان در تمام رادیوها و روزنامه ها اطلاع دادند اگر تصمیم بگیریم در ظرف ۲۴ ساعت میتوانیم کرمانشاه را بگیریم من که یک نفر کردستانی هستم می توانم با آقایان عرض بکنم که این اظهارات آنها در آن موقع چه تأثیر عمیقی در کردستان و کرمانشاه کرد و چطور افکار مردم را متزلزل کرد و وحشت زده کرد که خدای نکرده ممکن است يك همچو وضعی هم در آنجا پیش بیاید چنانچه ما بغویی دیدیم که در آذربایجان و زنجان این وضعیت پیش آمده بود مبادا خدای نکرده در کردستان و کرمانشاه هم وجود بیاید من از آقایان قبادیان نماینده محترم کرمانشاه تقاضا میکنم اگر تشریف دارند تشریف بیاورند و وضعیت خاصی را که در آن تاریخ جناب عالی بودید و دیدید برای آقایان تشریح بفرمائید در آن موقع آقای اعزاز نیک بی از طرف دولت مأمور استانداری غرب شدند و در کرمانشاه مأموریت داشتند با يك حسن تدبیری با يك علاقتندی در موقعی که در يك قسمت از مملکت يك عده ماجراجو صعبت از تفکک میکردند و اصول مرکزیت در آورده بودند ایشان فداکاری کردند زحمت کشیدند و نگذاشتند این آتش بگردستان و کرمانشاه رخنه پیدا کند ما باید از چنین اشخاص در چنین محل رسمی و خدمتی که با صداقت باین مملکت کرده اند تشویق بکنیم تا سرمشق بشود و دیگران هم بیایند در این مملکت خدمت بکنند اگر من اجازه خواستم که بیام و اینجا مراضی بکنم و از ایشان دفاع بکنم خدا را شهادت میطلبم شاهد و ناظر همین نگرانیهای کردستانها

بودم من که نماینده شان هستم دیدم که اقدامات ایشان در کرمانشاه و در آن قسمت ایلات غرب چقدر مؤثر واقع شد و وجداناً من موظف بودم بیایم اینجا و بگویم حالا بپوش اینک ما مشوق بکنیم یک چنین شخصی که در یک موقع خطیری باین مملکت خدمت کرده است بجهت يك شكایاتی که هیچ بن و اساسی نداشت آنچه که بنده تشخصی دادم بر علیه ایشان اظهار کنند آقای دکتر بقائی نماینده تشریف بردند یا هستند (مکی - بنده اینجا هستم) يك مطلبی آقای دکتر بقائی فرمودند و بنده یادداشت کردم و خیلی میل داشتم که ایشان تشریف داشتند و این عرایض من را توجه میفرمودند حالا که تشریف ندارند و جناب عالی نیابت میفرمائید، خواهش میکنم توجه بفرمائید آقای دکتر بقائی در ضمن فرمایشاتشان نسبت بافکار عامه توجه مجلس شورای ملی را جلب کردند اولاً بنده بافکار و عقاید آقای دکتر بقائی و همه آقایان احترام میکنم البته ایشان آزادند و عقاید خودشان را فرمودند ولی من میخواستم عرض کنم که افکار عمومی آن دوسه نفریکه در انتخابات شرکت کردند و موفق نشدند آنها را نمیتوان گفت افکار عمومی است افکار عمومی يك چیز وسیع تر است چیزیکه امروز افکار عمومی انتظار دارد و خواهانست این نیست که آقای دکتر بقائی فرمودند که یک نفر اصفهانی که از اصفهان وکیل شده و در دوره گذشته هم ۱۸۰۰۰ رأی داشته و طرف توجه بوده ما بیایم و با اعتبارنامه او رأی ندهیم بلکه افکار عمومی این مملکت خواهان این نکته است که شخصی مثل آقای دکتر بقائی دانشمندی مثل ایشان و من بیقدر که يك نماینده دیگر هستم در عرض اینکه بیایم در اینجا ایجاد اختلاف بکنیم ایجاد دویت بکنیم تفرقه بیندازیم باید بیایم مسائل مملکت را در نظر بگیریم و دست به دست هم بدهیم و در بیدرمان این مملکت را دوا کنیم اگر افکار عمومی در مملکت هست این را میخواهد نه چیز دیگر حالا افکار عمومی بچه نگاه میکند؟ می بیند که مملکت ما يك حزب مقتدری داشت يك فراکسیون قوی ۶۰ نفری بودند چه آرزوها که من خودم در دل داشتم که ما بیایم با این فراکسیون مقتدر قوانین اجتماعی و اقتصادی در این مجلس بگذرانیم خدمت بکنیم و کارهای اخلاقی بکنیم حالا افکار عمومی می بیند که همین افکار زهر آلودی که هیچ نظر مثبتی برای مملکت ندارد نتیجه اش این شده است که وضع حزب آنطور در خارج افتاده است و ما نمایندگان هم عوض اینکه در يك اطاقی مجتمع بشویم و برای مملکت کار بکنیم هر کدام بیست و بیست و پنج نفر رفتیم و در اطاقها نشستیم بطوریکه وحدت در آنجا مشاهده نمیشد، آن ایامی که مبیاست نبود و کار مجلس یا ندرم بجائی رسیده است که پنج ماه لایحه کمک بلسولین شاه آباد و لایحه مبارزه با بیسوادی جزء دستور مجلس است و ما یکقدم برای آن برنداشتیم (دکتر اختیار هیچ تقصیر مجلس نیست این چه رسمی است هر کس میرود پیش تریبون شروع میکند مجلس حمله کردن) (حاذقی تمام تقصیر مجلس است) از آقایان نمایندگان که آمدند در پشت تریبون فرمودند که ما تا دولت حاضر هست ولی کافر فرهنگ هم باشد رأی نمیدهیم همین آقای دکتر اختیار بود چطور رأی نمیدهد (دکتر اختیار -

حالا عرض میکنم) خواهش میکنم بفرمائید شما مجلس را از اکثریت انداختید افکار عمومی اگر در این مملکت توجه دارد توجه باین مسائل دارد که ما بیایم امروز دست اتحاد بدهیم کار بکنیم و زحمت بکشیم نه اینکه این جزئیات و این چیزهای کوچکی که تأثیری ندارد موجب اختلاف بشود والله بخدا اگر آقای اهراز نیک بی یک پارچه آتش هم باشد تأثیری ندارد اگر ما بخواهیم اصلاح بکنیم مملکت را ایشان تأثیری ندارند من میخواهم که آقای اهراز نیک بی رد شده من مملکتان اصلاح میشود؟ مسائل مهمتری داریم امروز يك مصالحی هست مصالحه مملکت ما باید این مصالحه عالی را در نظر بگیریم چیزیکه افکار عمومی از ما انتظار دارد و ما باید باین توجه داشته باشیم افکار عمومی با نظر تیزبین خودش می بیند و این حقیقت را کسی نمیتواند منکر شود که اگر خدای نکرده آقای اهراز نیک بی مرد خوبی نباشد منم که اعتبار نامه ام تصویب شده است بهتر از ایشان نیستم (صحیح است) (خنده نمایندگان) در هر صورت اینکه نماینده محترم آقای دکتر بقائی... (ملک مدنی) - آقای اردلان شایسته آقای اهراز نیک بی حرف میزند (بنده جناب عالی کمال ارادت را دارم من میگویم آقای ملک امروز يك وقتی است... صحبت نفرمائید.

حاذقی - شما فرمایش خودتان را بفرمائید. **اردلان** - ... آقای دکتر بقائی به بنده فرمودند که افکار عمومی از مجلس شورای ملی نگران است و فاصله بین مردم و مجلس شورای ملی زیاد شده است من میگویم آقا جواب این بیان این است که به بنیم مجلس شورای ملی از ما چه انتظار دارد انتظار خدمت مملکت را دارد این مسائل بخدا کوچکتر از این است که ما دو ساعت وقت مجلس را راجع باین قسمت بگیریم. **آصف** - با کمال بیطرفی بنده عرض میکنم که همانطوریکه ما ساکت بودیم شما هم بگفتید همکاران من توجه داشته باشید. یک نفر وکیل محلی طبعی کردستان میآید از روی عقیده حرف میزند اینطور، میشنید.

رئیس - آقا این ماده ۱۱۲ را به آقایان تذکر میدهم.

آصف - همه شان تذکر بدهید وکیل طبعی کردستان میآید اینطور حرف میزند اینطور هوش میکنند.

رئیس - کردستان و ملایر و فارس ندارد.

اردلان - ... عرض بنده فقط راجع به این قسمت بود که منم خواستم با آقای دکتر بقائی هم فکری کرده باشم که بفرمائید ایشان فاصله که فرمودند بین مردم و مجلس هست نزدیکتر بشود و ما فاصله نداشته باشیم راهش این است.

آصف - حرفت را تمام کردی بیایم این دیگر ما باین مجلس نمی آیم (از مجلس خارج شدند).

اردلان - ... چون نماینده محترم آقای دکتر بقائی چند فقره شکایات از انتخابات اصفهان خوانده بودند يك نامه ای از دانشجویان اصفهان نوشته بودند که بنده میخواهم اینجانبان دانشجویان اصفهانی دانشگاه و اصفهانهای مقیم تهران بنمایندگی از طرف کلبه اصفهانها در جلسه قبل و امشب بانهایت حلاقت مندی در مجلس حاضر شده و بایم صبری انتظار داریم پس

نمایندگان محترم درباره آقای اهراز نیک بی نماینده طبیعی (همه نمایندگان) (زنگ رئیس) **رئیس** - آقایان رعایت نظم جلسه را بفرمائید **اردلان** - ... آقای اهراز نیک بی نماینده طبیعی و محبوب اصفهان که مورد علاقه تمام طبقات اصفهانی خصوصاً طبقه روشنفکر و جوان و تحصیل کرده هستند چطور قضاوت خواهد شد ایشان با خدمتیکه سالان دراز بجای اصفهانی کرده اند وکیل طبیعی ماها میباشند و انتظار داریم اعتبارنامه ایشان فوراً تصویب شود تمنا داریم در مجلس با ذکر نام امضاء کنندگان قرائت فرمائید مصطفی سلجوقیان دانشجوی سال سوم دانشکده حقوق رضا معظمی، عزت الله معظمی، و تمام امضاها مقصود این بود يك کاغذ دیگر هم بینه رسیده نوشته است که آقای اردلان خدارا بشهادت معظلم که انتخابات اصفهان از روی کمال بیطرفی (خنده نمایندگان) بانظم هر چه تمامتر انجام شده و واقعاً یکی از آزادترین انتخابات دوره ۱۰ بود مقصود اینست که همان طوریکه يك شكایاتی که آقای دکتر بقائی نماینده محترم قرائت فرمودند همینطور هم رضایت نامه هست انجمن نظارت انتخابات و شنبه کمال دقت را بعمل آورده است و اگر بنده آمدم اینجا عرض میکنم انتخابات آنجا صحت دارد بنده خودم بعرض آقایان برسانم که اگر هر کدام از آقایان نمایندگان محترم هم عرایض من را تصدیق فرمودند با یک وجدان يك و يك حالت آرام بتوانند باعتبار نامه ایشان رأی بدهند و یقین داشته باشند که بر خلاف نظم کاری نکرده اند، ایشان در خدمتانی که نسبت بفریب در مواقع باریکی کرده بودند من که يك نفر وکیل کردستان بودم وظیفه خود میدانستم که امروز این را بعرض آقایان برسانم حالا وجدان يك آقایان قضاوت خواهند فرمود و اگر هم بعضی بیاناتی نسبت بنمایند محترم و دوست عزیزم آقای دکتر اختیار و جناب آقای ملک عرض کرده ام خیلی معذرت میخواهم.

برزین - بنده مطابق ماده ۱۰۹ يك عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

برزین - بنده عرایض مختصر است اگر اجازه بفرمائید نسبت ببینات آقای دکتر بقائی چون یکجا خطاب ببنده کردند عرض دارم، (یکی از نمایندگان - آقای دکتر بقائی که نیستند) خوب، بنده مخاطبم آقایان نمایندگان هستند « آقایان در تمام مدتی که بنده انتظار همکاری با آقایان را دارم همه تان شاهدید که من تا این تاریخ نه بکسی حمله کرده ام نه بکسی هتاک کرده ام و نه فحاشی کرده ام، هت دارد، چون با حیثیت زندگی کرده ام، میدانم حرف بد گفتن چقدر سخت است و اگر هم حرفی داشته ام عملاً و قانوناً کرده ام هیچوقت از مراتب اخلاقی هم تخلف نکرده ام، عرض کنم که متأسفانه آقای دکتر بقائی همکار محترم بنده اینجا يك بیانی فرمودند، چون اینجا جای رسمی است اینجا جای شوخی نیست، چرا؟ دو تا هم جرایم فردا منعکس می شود، تمیز میشود، توجه میشود تفسیر میشود، اینست که ناگزیر شدم اینجا دو کلمه بعرض آقایان برسانم و اولین دفعه است که پشت این تریبون آمدم و دراج هم نیستم و بدم میآید که

وکیل هر روز بیاید اینجا و وقت مجلس را بگیرد مگر در مواقع ضرورت یا در موضوعی که در آن موضوع اطلاعات علمی و فنی دارد، عرض کنم حضور مبارک کنان آقای دکتر بقائی اینجا بیانی فرمودند و بنده را مخاطب قرار دادند که مفهوم مخالف داشت، یعنی چه؟ یعنی برای بنده علم و اطلاع حاصل شده است که انتخاب آقای اهراز نیک بی در اصفهان با موازین قانونی موافقت ندارد ولی روی دوستی بنده موافقم که اعتبارنامه ایشان تصویب شود (یکی از نمایندگان - اینطور نبود شما را بشهادت خواستند) اجازه بفرمائید عرضم را بکنم، این بود که بنده رو کردم و گفتم چرا بنده را مخاطب کردید آنجا آقای دکتر معظمی تشریف داشتند یا نه نمی دانم ولی دوسه نفر از آقایان آنجا بودند ایشان عرض کردم چرا بنده را مخاطب قرار دادید؟ گفتند بمناسبت اینکه دیدم شما با آقای مهندس رضوی صحبت می کردید از اینجهت بود که شما را مخاطب ساختم گفتند آقا اینجا جای رسمی است گفته معذرت می خواهم گفتیم فرمایش شما در تمام جرایم منعکس می شود ولی شجرت جناب عالی در هیچ جا منعکس نمی شود، گفته آقا من نظری نداشتم، باین جهت ناگزیر شدم بعرض آقایان برسانم، بنده بیست سال در این مملکت قاضی بودم مشاغل همه داشتم. رئیس دیوان جنائی آذربایجان بودم و بعد کفیل استیفا شدم، آخرین پستی که داشتم رئیس شعبه دادگاه دیوان کیفر بودم، وزرائی در این مجلس هستند که آنها وزیر بودند و من متبوع آنها بودم و آنها را ترقیاتی دادند، و کلاهی درجه اول دادگستری هستند که در محکمه من کار میکردند نمایندگان ولایات هستند اینجا نشسته اند، من از شما در مقابل عدل الهی در این مجلس شورای ملی میخواهم اگر شنیده ام که من در این مملکت با کسی اغراض شخصی در موضوع قضاوتم بخرج داده ام یا حق را باطل کرده ام و یا باطلی را برخلاف حق جلوه داده ام یا در این مملکت يك گلابی از کسی تعارف گرفته ام بفرمائید (مهندس رضوی - آقای برزین نظر ایشان این نبود) خواهش میکنم اجازه بدهید یا در این مجلس بگویم یا در جرایم بنویسم، من در این مملکت شاید کم نظیرم، نظیر من در دستگاه دولتی خیلی کم است، (صحیح است) عرض کنم اما موضوع اصفهان بنده يك حرفی با آقای دکتر بقائی دارم من قاضی بودم من با منطق سروکار دارم، من در محضر محکمه نشسته ام، همین جناب آقای شریعت زاده در يك موضوع دعوی ۵۰ کتاب حقوق دانهای فرانسه وانگلسی را روی میز من گذاشت، فقه آورد همچین آقای دکتر جلال عبده من باید حرف طرفین را بشنوم، حالا موی من سفید شده است من که دیگر نیایم آلت بشوم، آلت دست دیگران بشوم چهار نفر در گوش من بگویند، من آلت دست این و آن نمی شوم، من بالاخره حرف طرفین را خواهم شنید و قضاوت عادلانه خود را خواهم کرد چنانچه در عدلیه يك رفتن يك بیرون آمدم، يك بمجلس آمدم و يك از مجلس خواهم رفت (احسن صحیح است)

فراقی - آقای رئیس بنده مخبر شعبه هستم اجازه بفرمائید عرضی دارم:

دکتر بقائی - اجازه بفرمائید بنده در جواب آقای برزین چند کلمه عرض کنم.

رئیس - بفرمائید.

دکتر بقائی - بنده از این پیش آمده ام که شد جناب آقای برزین خیلی متأسفم و از جناب عالی حذر میخواهم برای اینکه همه حضرت عالی را بخوبی و درستی و امانت میشناسند (صحیح است) اینکه بنده بعرضتمالی خطاب کردم برای این بود که علاقه داشتم که جناب عالی عرایض بنده را گوش بدهید، بنده بی اختیار خطاب کردم جناب عالی و خیلی متأسفم از این پیش آمده که شده است و یقین هم دارم که جناب عالی خلاف وجدانات را نخواهد داد و همچنین آقایان هم برخلاف وجدان رأی نخواهند داد (صحیح است) و نتیجه این آراء بدلت ایران معلوم خواهد کرد که این مجلس علاقه دارد که شئون خودش را حفظ کند (صحیح است)

فولادلو - آقای برزین از قضات بسیار شریف این مملکت هستند (صحیح است)

رئیس - آقای فراقی

مخبر شعبه - (آقای فراقی) - عرض میکنم بنده بجهت اینکه مخبر شعبه اول هستم و شعبه اول گزارش مبنی بر تصویب اعتبارنامه آقای اهراز نیک بی به نمایندگی اصفهان داده است از این جهت از خبر شعبه باید دفاع بکنم.

(امامی - مخبر شعبه اول بوده اید، حالا نیستید) بله بوده ام، عرض کنم بعقیده بنده چون بنده وکیل عدلیه هستم بطور فکر میکنم که موقبیکه يك اعتبارنامه ای اعتراض میشود آن معترض بمنزله دادستان یا مدعی خصوصی است و وکیل که مورد اعتراض است بمنزله متهم و مجلس هم در آن موقع بمنزله يك دادگاهی است و آقایان نمایندگان بمنزله هیئت قضات و هیئت منصفه هستند همانطور که در محکمه و دادگاه دادستان باید با دلایل موجه و مستند بیان ادعا بکنند اینجا هم نماینده ای که اعتراض میکند باید استدلال بکند و مطالبی که اظهار میکند مستدل و موجه باشد چون اینجا جای قضاوت است و بایستی آقایان محترم توجه داشته باشند چه حقایقی و مطالبی که در پرونده هست، آقای دکتر بقائی رفیق عزیز بنده که بنده کمال ارادت را بایشان دارم متأسفانه گاهی از اوقات احساسات ایشان بر استدلال و منطق ایشان غلبه میکند، اینجا سخنرانی مشروح و مفصلی کردند که بکلی خارج از موضوع بود و اظهاراتی را که ایشان کردند اساساً منبایش يك پرونده ای بود که یکی از شاکیهای انتخابات اصفهان بایشان داده بود در صورتیکه اظهارات ایشان بایستی از روی پرونده اساسی انتخابات باشد بهیچوجه ایشان پرونده توجه نکردند و بیشتر از روی آن پرونده ای که یکی از آن شاکیها داده بود صحبت کردند (دکتر بقائی - اینطور نیست آقا)

اجازه بفرمائید بنده خیلی خلاصه صحبت میکنم برخلاف جناب عالی، عرض میکنم خلاصه ایرادات آقای دکتر بقائی سه مطلب بیشتر نبود. در تمام مدتی که در این جلسه و جلسه گذشته ایشان صحبت کردند ایراداتشان روی سه مطلب بود یکی راجع بانخابات حوزه قهیا به یکی هم راجع بانخابات سده و ماربین و یکی

هم راجع بصلاحت آقای اهراز نیک بی در قسمت اینکه ایشان معاون نخست وزیر بودند که بنده از این قسمت دفاع میکنم و راجع بآن مطالبیکه خودشان میدانند و سوابقی که دارند بنده اطلاعی ندارم خودشان دفاع خواهند کرد، در موضوع انتخابات اصفهان آقای دکتر میدانند که شبهه اول دوما و نیم با نیم موضوع رسیدگی کرد و آقای برزین که یکی از قضات موجه هستند دیدند که با کمال دقت تمام اوراق پرونده را آقایان حتی در يك سو کپی سونی که جلسات مکرر تشکیل شده همه را خواندند و حتی پرونده های اصلی انتخابات را هم از اصفهان خواستند و تمام آنها در شعبه مطرح شد، صندوق قهیا به باین جهت ابطال شده که بشدار قهیا به و مأموران نظامی آنجا طبق پرونده ای که موجود است تصدیق کرده اند که جریان انتخابات قهیا به مبنی بر تهدید و تطمیع بوده و رئیس انجمن آنجا قدرت الله بهروان که يك شخص متمدی است آنجا مأمورین نظامی تصدیق کرده اند در انتخابات دخالت کرده است، همین مأمورین نظامی هستند که مطابق قانون و مقررات باید تصدیق بکنند یا بایستی که بشدار و مأمور ژاندارمری تصدیق بکنند، مطابق قانون، انتخابات هر حوزه ای که مبنی بر تهدید و تطمیع باشد باطل است، و آنجا هم بشدار و سایر اعضای انجمن تصدیق و تأیید کردند که انتخابات آنجا مبنی بر تهدید و تطمیع بوده بنا بر این انتخابات آنجا باطل است حالا البته يك نکته اساسی را که آقایان باید توجه داشته باشند این است که در اصفهان انتخابات مبارزه بوده است. در این دوره انتخابات بعضی جاها مبارزه نبوده ولی بعضی جاها مبارزه بوده هر جا که مبارزه باشد البته شاکیان زیاد هستند، البته اعضای انجمن را که دعوت میکنند ممکن است یکی دو نفرشان طرفدار بعضی از کاندیداها باشند در اینجا هم همینطور بود، بطوریکه آقای دکتر فرمودند يك چیزهایی بوده که ممکن است بعضی صحیح بوده ولی اکثریت اعضای انجمن تصدیق کرده اند که انتخابات آنجا مبنی بر تهدید و تطمیع بوده و مأمورین نظامی و بشدار هم این مطلب را تأیید کردند این موضوع انتخابات قهیا به است اما موضوع انتخابات سده و ماربین که آقای دکتر فرمودند يك موضوع را خیلی اهمیت دادند که آراء اضافی در صندوق بوده این يك چیز خیلی مهمی نیست، آقایان میدانند که در غالب حوزه های انتخاباتی يك آراء اضافی هست این چیزی نیست، و قتی که دیدند آراء بیشتر است بهمان مقدار آراء اضافی را بر میدارند وضبط میکنند که در انجمن اصلی باطل شود در حوزه اردستان فرمودند ۲۲۵ رأی اضافه بوده در صورتیکه سال پیش ۴ رأی اضافه بوده است این چه دلیلی میشود؟ فرمودند که در ماربین ۱۳۰ رأی اضافه بوده اینهم مانعی ندارد برای اینکه در يك صندوق طرفداران يك کاندید آمدند دو رأی داده اند این هم مانعی ندارد و اشکالی نیست، در این قسمت و اما راجع بقسمت معاونت نخست وزیر که فرمودند آقای دکتر مدتی در این قسمت صحبت کردند آقای اهراز نیک بی موقبیکه انتخاب شدند از معاونت نخست وزیر استمفاً سکردند در تاریخ ۲۸ ر ۹ طی نامه شماره ۳۶۰۳۲ مورخ

۲۸ و ۲۹ از معاونت نخست وزیری استعفا کردند که این نامه در تاریخ ۲۸ و ۲۹ شماره ۳۶۰۴۴ از وزارت پست و تلگراف هم استعفا کردند که عین این نامه هم در دفتر نخست وزیری موجود است. استعفا ایشان هم مورد قبول واقع شد بنا بر این از نظر قانون صلاحیت ایشان اشکالی وارد نبوده حالا فرض کنیم که آقای اهراز نیک بی استفاده تبلیغاتی کرده اند از این عمل یعنی موقیبه که معاونت نخست وزیری بودند رفتند اصفا گفتند که معاونت نخست وزیرانند یا کسان ایشان گفتند که آقای اهراز نیک بی معاونت نخست وزیر هستند این یک ایراد قانونی نیست، یک ایراد اساسی نیست هر کسی ممکن است که در حوزه انتخابیه خودش تبلیغات کند، بنده ممکن است بروم در حوزه انتخابیه ام خیلی کارها بکنم بگویم آقا من از طرف نخست وزیر آمده ام نباید مردم رای بدهند برای تبلیغات این اشکالی ندارد هر و کلی میتوانه در حوزه برای خودش تبلیغ کند این را که نمیشود ایراد کرد، فرمودند منشی نخست وزیر شده اید این هم که ایراد نیست و مطابق قانون اشکالی ندارد ایرادشان این بود که موقیبه منشی بودند خودشان را بجای معاون معرفی کردند این اشکالی ندارد معاون هم نبودند بنا بر این این سه موضوع که اساس ایرادات آقای دکتر بقائی بود اینها یک موضوعهای اساسی و قانونی و اصولی نیست (دکتر بقائی - امضاء تصویب نامه ها را هم بفرمائید) ولی مطالب دیگری که آقای دکتر فرمودند اینجا جایز نبود و هیچکدام متدل و مستدل نبود، یک جریاناتی را می گفتند مثلا من یکی دوتایش را برای آقایان مثال میزنم، اینها مطالبی نیست که استاد به پرونده شده باشد، مطالبی است که از اشخاص گرفته اند و اینجا گفته اند مثلا گفتند ناصر قلی صدری آدم بدی است یا نمیدانم آدم بدی است یا خوبی است یکی از نماینده های حوزه ها یک کافه هائی داده که آقای ناصر قلی صدری یک صورت هائی داده است کافه هائی را اینجا خواندند که از کجا آمده و یکی داده این کافه ها را فرمودند که مصطفی خاوریان عضو اداره آگاهی به همراهی دانش یور رفته و بعد یک صورتی خواندند که فلان قدر پول گرفتند رئیس انجمن نمایانم ۹۰۰ تومان پول گرفته این رئیس انجمن آقای عقدائی در دوره چهارده هم رئیس انجمن نظارت اصفا بوده است دوره یازدهم هم همین آقای عقدائی بوده است و این معقول نیست که اگر بخوانند پول بدهند بیک نماینده ای نه صد تومان بدهند که او بیاید رئیس انجمن بدهد خود آقای اهراز نیک بی با ایشان رفیقند اگر میخواهند پول بدهند خودشان میدادند دیگر به یک نماینده ای نمیدادند (دکتر بقائی - آقا یادداشت بود) اجازه بدهید بنده شما که صحبت کردید حرفی نزد یکی دیگر از مدارک مهمی که ارائه دادند این بود که نامه ای با مارک وزارت پست و تلگراف ارائه دادند و گفتند آقای مرتضی حیدری کلانمند دخانیات سابق اصفا تقاضا دارد مجدداً خدمت وارد شود تقاضا میکنم طبق مقررات بکار نامبرده رسیدگی و اقدام شود خوب این چه گناهی است اولاً و بعد گفتند همین مرتضی حیدری که طرف توجه آقای اهراز نیک بی

است يك اعلامیه مفصلی داده است بر علیه آقای اهراز نیک بی این ما بقیه بنده يك دلائل موجبی نیست هم چنین استنهادات و مدارکی از يك عده اشخاصی که امضاء کرده بودند ارائه دادند و این استنهادات را هر موقع می شود ارائه داد مخالفین هم میتوانند این استنهادات را تهیه کنند دلیل نمیشود بنا بر این پرونده جریان انتخاب اصفا بطوریکه شبهه رسیدگی کرده کاملاً صحیح بوده است و هیچ ایراد هم توجه جریان انتخابات نیست و راجع به موضوع معاونت نخست وزیری هم عرض کردم که از نظر قانون هیچ اشکالی نداشته ولی از نظر جریان و سوابق آقای اهراز نیک بی بنده هیچ اطلاعی ندارم و خود ایشان اگر توضیحاتی لازم باشد خواهند فرمود.

رئیس - آقای مکی
 هکی - بنده تصدیق داشتم وقت آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی را تشویق نکنم و بیش از چند دقیقه در اطراف انتخابات اصفا صحبت نکرده باشم ولی چون در غیبت همکار محترم آقای دکتر بقائی يك مطالبی از طرف آقای اردلان در این جا ایراد شد که بنده بعهده گرفتم جواب آن مطالب را بسم آقایان نمایندگان محترم برسانم سپس موضوع را که در چند دقیقه خواستم راجع انتخابات اصفا عرض برسانم بگویم و تقاضا میکنم که زودتر مجلس قضاوتش را در این باره بفرماید. اولاً همه آقایان میدانند که چه کسانی نماینده ملت هستند و چه کسانی نیستند (صحیح است) آنجا که میان است چه حاجت به بیان است (خنده نمایندگان) خود آقایان میدانند که افکار عمومی چه اشخاصی را بصلاحیت میدانند و چه اشخاصی را که صلاحیت نمایندگی آنها ولو اینکه تصویب هم شده باشد از آنها سلب میکند (صحیح است) و خود آقایان میدانند که چه اشخاصی هستند چه در داخل مجلس و چه در خارج مجلس دارای احترام هستند و چه اشخاصی را چک مرکز حساس و بسیار محترم میدانم (صحیح است) چون بعضیها میگویند که آقایان باید یک کاری بکنند که احترام مجلس در خارج زیاد بشود احترام مجلس موقعی در خارج زیاد میشود که نمایندگان آن متکی با افکار عمومی باشند بنده در يك اعتابا رنامه دیگر هم عرض کردم افکار عمومی يك قوه است مرموز که همیشه بر سنده قضا نشسته و منشور حقیقت را امضاء کرده است آقایان از اینکه يك اعتبارنامه روی تصبانی رای بدهند یا ندهند يك نماینده ای وکیل بشود یا نشود مجلس شورای ملی ایران همانطوریکه يك مقام شامخی است و حتی شاید يك مورد استثنائی باشد که قدرت مجلس شورای ملی ایران از سایر مجالس شورای ملی سایر کشورها هم زیادتر است قدرتی که قانون اساسی بنمایندگان این ملت داده است شاید در سایر کشورها این قدرت را نداده است بنا بر این مجلس شورای ملی ایران بنده تصور میکنم تنها مرجع محترمی است که ملت ایران هم باید که احترام باو مبسکند و حالا هر چه بگویند منصفه باید کاری کرد که احترام آن زیاد شود این بسته است باینکه آقایان چه جور مجلس

را در خارج بوسیله امثال و قنوتنهائی که میگفزانند معرفی بکنند بنده نکتك آقایان نمایندگان را که می بینم و در غالباً کسبونها) فرا کسیون دموکرات ایران (فرا کسیون دموکرات جدید) فرا کسیون اتحاد ملی و حتی در مفردین هم افراد فوق العاده وطن پرست درست و با شرافت را میشناسم (صحیح است) همه آنها دلشان میخواهد که يك کاری بکنند ولی نمیدانم چطور است وقتی که در خارج هستیم همه اش آرزویمان این است که بیائیم بمجلس و از راه مجلس بتوانیم يك خدمت بزرگی بمملکت خودمان بکنیم ولی همینکه بمجلس میآئیم توی این چرخها نمیدانم چطور گیر می کنیم که نمیتوانیم قدمی برداریم بنده خیال میکنم که علت آن بواسطه همین است که بعضی از آقایان نمایندگان که افکار عمومی آنها را طرد کرده است وارد میشوند و جلو راه پیش رفت ما را می گیرند ما را نمی گذارند بصالح کشورمان قدمی برداریم پس آقایان آنها را که حلاقه مندند که از راه نمایندگی يك خدمتانی بکشور و ملتشان بکنند بنده استدعا می کنم روی حب و بغض شخصی نزنند وجدان را در نظر بگیرند وقتی که وجدانشان را در نظر گرفتند مطمئن باشند که خدمات خیلی گرانبها و قیمتی میتوانند بمملکت و ملت ایران بنمایند آقایان سابقه دارند که در يك اعتبارنامه دیگر بنده اشاره کردم بان تجارت کیمی و طرحی هم در این خصوص آمد و رفت بکمیسون اقتصاد و چندندقه هم بنده از وزیر اقتصاد ملی تقاضا کردم که آقا بیامن تقاضای فوریتش را میکنند شما قبول بکنید و این کار را زود تر بگذرد و اطمینان داشته باشید که يك قدم خیلی بزرگی برای مملکت و کشورتان برداشته اید (صحیح است) زیرا تمام ارز این مملکت را تجار خارجی تجاری که تبعیت ایران را ندارند (آشتیانی زاده - تجار یهودی بشادی) دارند از این مملکت خارج میکنند و تمام تجار ایرانی یعنی آنها را که واقفاً تجار واقعی هستند یعنی سفته بازی نمی کنند آنها دستشان را روی دست گذاشته اند تمام ارزها برده اند در کشورهای خارجی و همین امر موجب وقفه اقتصادیات کشور ما شده (صحیح است) پس بنا بر این ما از راه وضع این قبیل قوانین می توانیم يك قسمه ای حساس و برجسته و مهمی برای کشورمان برداریم همت میخواهد من استدعا می کنم که آقایان برای این قبیل قوانین يك تصمیبات مهم و قوی اتخاذ بکنند - میروم روی موضوع بحث اعتبارنامه بنده عرض کردم که زیاد نمی خواهم صحبت بکنم و خارج از جلسه هم یکی از رفقا به بنده فرموده که شما هر دو سه مرتبه شکست خوردید و مغلوب شدید بنده عرض میکنم که یکی از عللای اجتماعی معروف می گویند زندگی مبارزه است و حیات علامت فاتحیت مادام که بنده در آن راهی که پیش گرفته ام همین اندازه که زنده هستم نافع هستم وقتی مردم مغلوب یس بنابر این بنده وامثال بنده در این راه مبارزای که روی ندای وجدان قدم بر میدارم مطمئن باشند آقایان که در صورت ظاهر هم اگر شکست باشد ما باطناً فاتح هستیم (کلبادی - یس باین دلیل همه فاتحند آقای مکی) مغیر محترم شعبه آقای زرقی فرمودند که ایشان در تاریخ ۲۸ و ۲۹ از

معاونت نخست وزیری و یسا وزیر پست و تلگراف استعفا کردند بنده چند تلگراف دارم که تماشای دارای مارک رسمی است و آنها را از اصفا برای بنده فرستاده اند و مربوط به پرونده رقیب ایشان هم نیست، مربوط به پرونده انتخاباتی هم نیست موقعی است که ایشان از طرف نخست وزیر در حین جریان انتخابات این تلگرافات را امضاء کرده اند (اردلان - در ذیل نامه معاون نوشته شده آقا) « تصویب نامه جریان مطلع و رفع اشکال موجود خواهد شد ۳۹۴۴ اهراز نیک بی از طرف نخست وزیر (اردلان - منشی بودند آقا) از طرف نخست وزیر منشی امضاء میکنند مگر این که بگوئیم حالا که شب است و این جا نشسته ایم روز هم باشد اگر این را بفرمائید و مجلس رای بدهد اگر اینطور بود بنده قبول دارم ایشان منشی بودند ولی از طرف نخست وزیر امضاء میکردند تلگراف دوم اتحادیه رسته دست باف بوده است (تلگراف ۱۵۰ - ۱۸۰ راجع به مخصری کارخانجات دستی بوزارت خانه های بازرگانی و پیشه و هنر و کار و تبلیغات دستور لازم صادر گردید که اقدامات شایسته معمول دارند ۳۸۲۵ از طرف نخست وزیر اهراز نیک بی (فولادوند تاریخش چه بود؟) ۱۰۱۱ - اگر اشکالی دارید اصلش را بخودتان تقدیم میکنم تلگراف دیگری هم هست که فقط امضای نیک بی ولی تاریخ همان تاریخی است که ایشان کاندید انتخابات اصفا بودند بنده آنها را قرائت نمیکنم و تلگرافاتی که از طرف نخست وزیر امضاء کرده اند قرائت میکنم (وسيله بانو ادهم جامعه بانوان آموزگاران پیمانی در مورد تقاضای آن جامعه راجع بپرداخت اضافات جامعه آموزگاران شرحی بوزارت فرهنگ نوشته شد از نتیجه بعداً اطلاع خواهید یافت ۴۸۳۳ از طرف نخست وزیر اهراز نیک بی) اصل این تلگراف ها را بنده خدمت آقای رئیس تقدیم میکنم و هر کدام از آقایان اشکالی دارند مراجعه بفرمائید یس این که همکاران محترم آقایان زرقی و اردلان اینجا فرمودند بنده سند زنده و شاهد موجود تقدیم کردم که آقایان با توجه باین تلگرافات و با توجه بتاریخ تلگرافات که خود مغیر محترم اینجا قرائت کردند تحت تأثیر تعصبات قرار نگیرند و قضاوت خودشانرا بکنند (اردلان - ننوشته بودند معاون) از طرف نخست وزیر نوشته بود (اردلان - چه مانعی دارد رئیس دفتر دوهزار نامه امضاء میکنند) اگر ایشان معاونت نخست وزیر نبودند بنده يك تلگرافی دارم که از همین پرونده محرمانه ای که از وزارت کشور فرستادند و در دسترس بنده و آقای دکتر بقائی بوده است کاملاً میرساند که ایشان را در آنجا نخست وزیر میدانستند (اردلان - نخست وزیر آقا؟) معاونت نخست وزیر (تلگراف - تهران جناب آقای اهراز نیک بی معاونت نخست وزیری اعتبارنامه نمایندگی دوره یازدهم جناب عالی وسیله پست سفارشی شماره ۱۳۹ بوزارت کشور تقدیم دستور فرمائید دریافت وصول آنرا با صفا تلگراف فرمایند - فرماندار اصفا حشمت صبیقی ۲۲-۱-۲۶» بوجوب قانون مصوب ۲۲ تیر ماه ۱۳۰۶ آقایان وزراء و معاونین وزیران از انتخاب شدن در تمام کشور معروم بودند و این تلگرافاتی که بنده اینجا ارائه

دادم دلیل بر اینست که ایشان در این موقع معاونت نخست وزیر بودند بنابراین بنده راجع به صلاحیت ایشان یا راجع بجریان انتخابات ایشان هیچ عرضی نمیکنم فرض میکنم که ایشان يك فرد پاک و منزهی و انتخابات ایشان هم مثل همان انتخاباتی است که در سوئیس و امریکا بجریان میافتد بجریان افتاده و هیچگونه اشکالی هم در پرونده ایشان نبوده معترضی هم حتی نبوده همه اش هم صحیح بوده است فقط بنده این ایراد را دارم که ایشان معاونت نخست وزیر بوده است و قانون معاونین وزراء را منع کرده از انتخاب شدن در تمام کشور و ایشان برخلاف قانون انتخاب شدند و اینجا تشریف دارند و چند تلگراف دیگر هست که بنده نمیخواهم وقت مجلس را زیاد بگیرم و از همه اش صرف نظر میکنم موضوع دیگری که وظیفه بنده و وظیفه وجدانی همه آقایان نمایندگان است که توجه بکنند موضوع سی چهار هزار نفر دستبافهای اصفا هست که وقتی يك نماینده ای خواست از مقام نمایندگی خودش سوء استفاده بکند و زندگی سی چهار هزار نفر و شاید يك کشوری را در مضیقه بیندازد همه آقایان این اعلامیه دستبافهای اصفا را دیده اند و همه آقایان توجه فرموده اند که در وزارت پیشه و هنر يك کمیسیون برای تثبیت نرخ نخ معین شد و نرخ را در حدود بقیه ای سی چهار تا ۴۰ تومان تعیین کردند ایشان هم در همان کمیسیون بودند و اصرار و باقشاری کردند که قیمت نخ باید تثبیت بشود ولی کارخانجات که خود آقای اهراز نیک بی در بعضی از کارخانجات اصفا صاحب سهم هستند نمیخواهند نرخ را باین قیمت بفرشند و نرخ را میخواهند بازار آزاد برایش درست کنند و این نرخ وقتی از کارخانه در بیاید به یسر عسریسر دایمی خودشان بیک قیمت نازلی بفرشند ولی دست دوم خیلی گرانتر خواهد بود و امروز کار دستبافهای اصفا بجائی رسیده که این بدبختها بهم مراجع و مقامات شکایت و تظلم کرده اند که نرخ ۴۰ تومان را ما داریم بصفت و چند تومان میخریم وزارت پیشه و هنر خواست تصمیب بگیرد و نرخ نخ را تثبیت بکنند بنده در جراید خواندم و حتی تصور میکنم آقای حاج امین التجار اصفا هم اگر از شان وجداناً بیرسنه انکار نکنند که بعضی از آقایان نمایندگان رفتند وزیر را تهدید کردند که اگر نرخ نخ را خواستید تثبیت کنید ما کابینه را می اندازیم یا شما را معزول میکنم (کلبادی - اسمشان را بگوئید) همه نمایندگان که صاحب سهم هستند البته رفتند آنجا وزیر را تهدید کردند و حتی آقای حاج امین التجار اصفا هم که ایشان هم از اصفا وکیل شدند هر چه خواستند جلوی اجعاف و تعدی را بگیرند تصور نمیکنم تا امروز توانسته باشند کنرخ نخ را تثبیت بکنند بتوانند برای ۳۰۰ ۴۰ هزار نفر دستباف بیچاره که باید نخ را تسک و تکه و بقیه بقیه بخردند و فاستونیش را بیاورد بازار بفروشد آنها امروز قوت لایموت ندارند بخورند و نمی توانند با شوردگی زندگی کنند (مهندس رضوی - سی چهار هزار نفر نیست آقا قریب صد هزار نفر است) بنده اینها را که نوشته ام و این اعلامیه ایست که برای بنده فرستادند و از مجلس شورای ملی استدعا و تقاضا کرده اند که بحال این سی چهار

هزار نفر (مهندس رضوی) - مال یزد و کرمان و سایر جاها هم است) ۰۰۰۰۰ بنده چون از اصفاها اطلاع دارم عرض میکنم و خواهش دارم آقایان توجه بفرمایند بقیه بنده توجه آقایان نمایندگان بحال سی چهار هزار نفر دستباف بیچاره تنها يك چیز باشد و آن عبارت از این است که نفوذ این قبیل نمایندگان را بوسیله رد کردن اعتبار نامه شان قطع بکنند و جان سی چهار هزار نفر همانطوریکه همکار محترم من آقای مهندس رضوی فرمودند تمام دست بافهای این کشور و اماز دست يك مشت سرمایه داری که بنام وکیل در مجلس تشریف دارند خلاص بکنیم بیش از این هم عرض نمیکنم.

رئیس - آقای اهراز نیک بی
 اهراز نیک بی - آقایان نمایندگان محترم برای بنده مایه افتخار است که در مجلس شورای ملی و در محضر محترم نمایندگان يك ملت بزرگ و شریف برای اولین بار سخنی گفته و نطق اولیه خود را ایراد نمایم. وقتی شخصی فکرمی کند همه افراد يك ملتی معنای این طالار گرد آمده و با چشمان گشاده منتظر تعیین مندورات و تأمین آینده درخشان خود هستند وقتی تاریخ پراز حوادث و گذشته متلاطم گذشت ها و فداکاریهائی که از گذشتگان در صفه دیوار ها بیادگار باقی مانده از نظر میگذرانند بی بظلمت و ابهت این مکان مقدس میرد بی اختیار سر تعظیم فرود میآورد و در مقابل این اہمیت و جلال خود را بچیزی نمیبرد زیرا افراد در برابر جامعه کوچکتر از آنند که بحساب آیند ما مانند برك خزان از بی هم ریزانیم آنچه باید باقی بماند ملت و مملکت است و تنها قیبت و ارزشی که برای افراد می توان قائل شد همانا خدمتی است که بوطن خویش و بجامه بشریت انجام می دهند و اگر این فرصت بدست آید و اقبال شامل حال باشد بزرگترین سعادت و نتیجه منحصر بفردی است که از زندگی يك فرد گرفته شده باید دید ما در پاره گذشتگان چطور قضاوت میکنیم و بالاخره دیگران از ما چگونه یاد خواهند کرد امیدوارم هر کس بسهم خود و بنده و بنوه خویش سعی کند درخور استمداد ولایت خود اگر خدمتی ناچیز بتوانم انجام دهم با هدایت وجدان و راهنمایی آقایان فروگذار نکرده در پیشگاه خداوند و در برابر ملت خجیل و خرمبار نباشم.

آقایان محترم توجه فرموده اند که در ظرف ۵ ماه که از عمر مجلس میگذرد در تمام جلسات شرکت کرده سر وقت آمده و آخر وقت رفته ام آقایانیکه در جوار آنها نشسته ام بیشتر وقت داشته اند که در طول جلسات هرگز سندی خود را رها نکرده و با علاقه مخصوص بفرمایشات نمایندگان محترم گوش داده و از قطع کلام مبارکشان برهیز کرده ام و اینک اگر استدعا میکنم چند دقیقه برایش بنده عطف توجه فرمایند امیدوارم توقع شافی نکرده باشم و مورد قبول واقع گردد از این تصدیق قلا مندوت می خواهم و آرزو دارم در پیشگاه وجدان يك آقایان سرفراز باشم. با اینکه از خودنمایی گریزانم ولی ناچار باید از روی گذشته بنده آگاه باشید تا نسبت بآینده بتوانید قضاوت فرمائید امیدوارم آنچه می

گویم حمل بر خودستایی نفرموده پس آن خرده نگریه بنده سعی میکنم برای اثبات هرايخ خود بیشتر بشهادت آقایانی که در این مجلس حضور دارند اکتفا کنم و حتی المقدور از ابراز استناد زیاد و قرائت مدارك خود داری نمایم مگر اینکه خود آقایان بملاحظه آنها علاقمند باشند . برای مقدمه عرض کردم و حالا از هرايخی که میکنم مددوت می خواهم . عرض کنم آقای نماینده محترم آقای دکتر بقائی شرحی بیان فرمودند و خواستند که بفهمند که آیا بنده در اصفهان دارای یک سوابقی هستم یا نیستم . خوشبختانه اینجا يك عده ای از آقایان اصفهانی ها هستند و اغلب اشخاصی هستند که در اصفهان مأموریت داشته اند بنده از ۱۲۹۷ در اصفهان مشغول فعالیت در امور اجتماعی بوده ام بطوریکه نماینده محترم جناب آقای اردلان فرمودند و بنده نهایت تشکر را دارم و همین طور از جناب آقای نراقی اظهار امتنان می کنم خواستم عرض بکنم که تمام اقدامات اصلاحی که در اصفهان شده بدست بنده شده . بنده همین طوری که فرمودند ده سال متوالی رئیس انجمن شهر اصفهان بودم و شخص اول بودم در تعداد آراه انجمنهای شهرداری ، این رضیعتی که بنده در آنجا داشتم برای امروز ضابط نشده آقایان رجوع بفرمایند بافکار عمومی اصفهان و ببینند که خدماتی که بنده در آنجا کرده ام تاچه اندازه مورد تقدیر و تجید است ، تمام اصفالنی که در اصفهان شده ، تمام ساختمانهایی که در آنجا شده تمام معامری که در آنجا ایجاد شده تمام اقدامات اصلاحی که شده بنده یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت کار ها بوده ام بدون اینکه خدا شاهد است کوچک ترین انتظاری جز خدمت مردم و مملکت داشته باشم جناب آقای امیر نصرت اسکندری مدتها استانداز ما بودند در اصفهان متأسفانه خودشان در اینجا تشریف ندارند بنده ایشانرا يك شخص با وجدان ، يك مرد با شهامتی و يك شخص شریفی می شناسم (صحیح است) جناب آقای رئیس محترم مجلس به بنده خواهند فرمود که چرا خطاب می کنی بنده عرض می کنم که در این مجلس محترم هم این آقایان قاضی هستند بنده اگر از این ها شهادت نخواهم چطور ممکن است قضایا برای جامعه مجلس روشن شود؟ ایشان مدتی در اصفهان استانداز بودند بنده تنها میکنم جناب آقای رئیس ایشانرا بخواهید بیایند این جا به نشینند و این هرايخی که من میکنم به بینند تصدیق میکنند یا تکذیب میکنند ، ایشان آنجا سالها استانداز بوده اند همینقدر بگویند که اصفهانی در باره بنده چطور قضاوت میکند و چه جو فکر میکند . بنده کمیسوئی نبوده از سر آفتاب که در استاداری و سایر جاها تشکیل بشود و بنده در آن شرکت نکرده باشم . بنده در تمام کمیسیونها شرکت میکردم مجاناً . بلاعوض . این کارخانجاتی که آقایان امروز ازش تنقید میکنند و بنده حال جواب نماینده محترم آقای مکی را با دلیل ثابت و کتبی و تلگرافهایی که از اصفهان از بین رسته دست باف بن رسیده ارائه خواهم داد همین کارخانجات يك خدمات بزرگی باین مملکت در دوره چنك انجام داد اگر این کارخانجات نبود

بسیار در مضيقه میافتادیم . بنده در یکی از این کارخانجات مختصر سعی دارم ولی برای تکمیل تمام این کارخانجات مؤثر ترین عامل بودم . آقایان سرمایه داری يك چیزی است که باید گهت از سرمایه باید استفاده کرد . آن سرمایه ای بداست که راكد بماند و نشود ارش استفاده کرد و بدرد مملکت نخورد ، ولی کسی متکر نیست که بدون سرمایه کار نشود کرد ، دو دسته سرمایه دار در این دنیا هستند يك دسته می گویند که سرمایه باید بدست دولت باشد تا بشود ازش استفاده کرد و دسته دیگر معتقدند که سرمایه باید بدست مردم باشد . آن سرمایه داری بداست که روز ناظر بگردد بخواهد و کار نکنند و سرمایه دار باشد ولی از آن سرمایه ای که بفتح جامعه میشود استفاده کرد بایستی تقدیر کرد (رفیع ولی- مردم را نچایند) البته با آن فرمایش آقا بنده کاملاً موافقم و میرسم بآن عرض میکنم ، جناب آقای امیر تیمور اینجا تشریف دارند جناب آقای گنجی ای اینجا تشریف دارند بنده آقایان را بشهادت میطلبم بنده دوازده ، پانزده سال متوالی هرسال آمده ام بهران از جیب خودم خرج کرده ام ، شش ماه ، هفت ماه ، در این شهر دویدم تا قضیه کوهرنگ که بزرگترین قضیه فلاحی این مملکت است برای اصفهان تهیه کردم (صحیح است) و تامین کردم ، آخر آقایان انصاف هم خیلی خوب چیزی است ، دشمنی هم باید اندازه داشته باشد یک نفر اصفهانی نیست که نسبت بن بنیض داشته باشد یا کینه داشته باشد ، تمام آمال و آرزوی اصفهانی هارا بنده انجام دادم يك شرکته باجدیت بنده در اصفهان تشکیل شد جناب آقای امینی استانداز اصفهان اینجا تشریف دارند ، بنده اگر چه صرفه جوئی میکردم از اینکه اسم ایشان را بیآورم برای اینکه ایشان خدمات بزرگی باصفهان کردند و در موقع انتخابات استانداز آنجا بودند اگر بنده بخواهم از ایشان تجید بکنم ایشان منزله تر از آنند والحمدلله احتیاج ندارند که تا جناب آقای دکتر بقائی يك نسبتهایی بدهند ولی اسم سایر آقایان را میرم آقای گنجی اینجا تشریف دارند آقای امیر تیمور تشریف دارند آقای امیر تیمور شاهدهند که بنده شش ماه متوالی در بجهوجه زمستان اینجا ماندم و با کمک شخص ایشان تصمیم کوهرنگ اصفهان را برای شرکت اصفهان گرفتم و بنده خواستم اینجا برای این اقدام بزرگی که اصفهان را شش برابر خواهد کرد در این موقع آقای امیر نصرت اسکندری وارد جلسه شدند (جناب آقای اسکندری بنده در اینجا بشهادت شما متوسل شدم استعدا میکنم شهادت بدهید . آقا کجا تشریف دارید ؟ موقمی است کمی بیاست شهادت بدهید بنده در غیاب جناب عالی عرض کردم که حضرت عالی مدتها استانداز اصفهان بودید بفرمائید که بنده در اصفهان چه جور آدمی معرفی شده ام (امیر نصرت اسکندری - رئیس انجمن شهرداری بودید) عرض کنم آقا این قضیه کوهرنگ که بنده تنها مقدم راجع بآن بودم با کمک آقایان استاندازانی که در آنجا بودند و با توجه ذات مبارک شاهانه و اوامری که راجع باین موضوع صادر فرمودند و با جدیتی که جناب اشرف آقای قوام السلطنه راجع بدین موضوع فرمودند و بنده ذکر جناب آقای سهام السلطانیات

را اینجا میکنم . آقای امیر تیمور شاهدهند که در خدمتشان رفیق آنجا و یکی از سفرای خارجه میخواست بملاقات ایشان در اطاق وارد شود آقای امیر تیمور و بنده گفتیم که اگر کار کوهرنگ را که بزرگترین خدمت اقتصادی و کشاورزی است انجام ندهد ما از اطاق خارج نخواهیم شد ایشان التماس کردند که آقا سفیری میخواهید بیاید اینجا اقلاً بن مهلت بدهید آقای امیر تیمور بیخش خدمت فرمودند در خواب من را از نوبی اتومبیل بردارید بیآورید . يك همچو زحماتی ما کشیدیم برای اصفهان ، اصفهانی غیر از اینکه از بنده قدر شناسی بکنند چه خواهد کرد ؟ عرض کنم آقا در اصفهان يك شرکته باجدیت بنده باهفت میلیون و دو صد هزار تومان ، اینها سرمایه هائی است که یهودی هائی که شکایت میکردند از این مملکت میبردند ، تا هفت میلیون و دو صد هزار تومان برای شرکت جمع آوری شد و شرکته در اصفهان تاسیس گردید با کمک جناب آقای امینی و سایر آقایان و اهالی اصفهان توریتهائی برای اصفهان آوردیم که در تمام خاور میانه نظیر ندارد در طهران نظیر ندارد در تمام خاور میانه نظیر ندارد ۱۸۰۰۰ کیلووات برق برای اصفهان تامین شده اصفهان از ۳۰۰ سال پیش از این برای این موضوع کوهرنگ و شاید پیش از سی سال قبل راجع باین موضوع برق جدیت کرد تنها کسی که آستینهایش را بالا زد و در این میدان وارد شد و کاری کرد و انجام داد بنده بودم از این آقایان اصفهانی ها پیرسید عرض میکنم آقا (با تامل قلیج - بد کردید آقا ، این مملکت آدم فصال لازم ندارد) بطوریکه آقایان سابقه دارند اصفهان دارای يك بناهای قدیمی است از جمله دو تا بل خیلی معروف دارد بل چهار باغ و بل سی و سه چشمه و بل خواجوالان شاید پیش از سی سال است کابینه های مختلف آرزو میکردند صحبت میکردند در اطرافش جدیت میشد که يك بل سومی در اصفهان ساخته شود تا اینکه این دو بل از خرابی نجات پیدا کند زیرا ترین آثار دوره صفویه است . بنده در این موقع جدیت کردم با توجه اینکه دولت فرمودند يك بل جدیدی درووی زاینده رود درست ساختمان است الان که بنده اینجا در خدمت آقایان ایستاده ام اصفهانها هیچ آرزویی از نظر انجام کار هایشان ندارند آنچه که میخواستند بنده برایشان انجام دادم شما پس انتظار دارید که بنده در اصفهان زمینه نداشته باشم ؟ چرا کم لطفی میفرمائید ؟ چرا بی التفاتی میکنید ؟ بنده يك نکته ای خواستم عرض بکنم این جناب آقای برزین اصفهان تشریف داشتند سالها مدعی العموم آنجا بودند بنده از ایشان سؤال میکنم در تمام دوره تصدیشان هیچوقت شنیده اند که بنده دعوائی در عدلیه داشته باشم یا يك دعوائی بر علیه بنده باشد ؟ آقا داشتم ؟ (برزین - خیر نداشتم) عرض کنم که بنده بحق خودم قائم و حق کسیرا پایمال نمیکنم و مطابق مسلک و مرام بر خلاف درستی هرگز عملی نکرده و نخواهم کرد . موضوع دیگری که خواستم عرض کنم موضوع کاندید شدن بنده است در اصفهان و جریان آنجا بطور خلاصه اسباب تصدیع و درد سر آقایانرا نمیخواهم فراهم کنم بنده دوره چهاردهم در اصفهان بودم در آنجا يك مبارزاتی

با بعضی احزاب که خصوصیات آنها را نمیخواهم عرض کنم پیدا شد بر علیه بنده سندوقهائی در آنجا عوض کردند بر خلاف ایندوره ۶ روز باخرا انتخابات مانده بود بنده رفتم در انجمن نظار و آدمم بهران بعد از آن هر چه رای بود باسم دیگران برخلاف انصاف خواندند دلیلش این بود که با اینکه بنده نایرئیس انجمن بودم يك عده ای نزدیک بود برای خاطر بنده کشته بشوند و بنده راضی نبودم اصفهانی که با من ست برادری دارد و بسیار مردمان قدر شناس و با هوشی هستند و بسیار مردمان محاسبی هستند نسبت بعمل اشخاص نخواستم این واقعه بشود و استعماداد هم آدمم بهران با وجود این ۱۸۰۰۰ رای داشتم ، جناب آقای دکتر بقائی پس چطور باید زمینه داشت در آنجا ؟ آن موقع که بنده آنجا نبودم تا اینکه آراه را مثل امروز بفرمایش آقا تعویض کرده باشم ؟ عرض کنم جریان کار انتخابات اصفهان يك انجمن در آنجا تشکیل شد از بهترین افراد آقایان هیچ سابقه ندارد که مدعی العموم ابتدائی اصفهان عضو انجمن باشد این را آقای استانداز اصفهان از شدت هوش و ذکاوتی که دارند برای استحکام کار آوردند (امینی - اینکار فرماندار است نه استانداز ، بی لطفی نفرمائید خیلی بی اطلاعید آقا) اجازه بفرمائید مدعی العموم راجه سی و شش نفر دعوت کردند فرماندار اصفهان و آنوقت در یکجائی که آن شخص مدعی العموم بود آقایان باید بشناسند مرحوم اشرفی که یکی از يك ترین قضات بود ممکن نبود در مقابل او يك عملی بر خلاف بشود انجام داد این وضع انجمن بود عرض کنم قبل از این اعلامیه ها تمام این جا موجود است بنده اگر آقایان میل داشته باشند برایشان می خوانم اگر میل نداشتند نمیخوانم اعلامیه های موجود تمام کارگران اصفهان و دلیل طرفداری کارگران را نسبت بخودم عرض خواهم کرد که ذهن آقایان روشن بشود تمام کارگران اصفهان تمام پیشه وران اصفهان تمام ملاکین اصفهان تجار اصفهان قضات دادگستری ، اصفهان دانشجویان و علمای همه طبقات مطابق اعلامیه هائی که با امضا منتشر کرده اند بنده را کاندید خودشان معرفی کرده اند . این قسمت راجع بانخابات و راجع بآن سوابق خدمات بنده ، و اما سابقه خدمت اداری بنده جناب آقای وثوق شاهده هستند که بنده از ۱۲۹۸ در وزارت دارائی مشغول خدمت بودم (یکنفر از نمایندگان - سستان چقدر است ؟) حالا راجع بسن بنده اینجا استناد نفرمائید ایشان در آن موقع معاون وزارت دارائی بودند و بنده از ایشان تنها میکنم طرز رفتار و کردار بنده را در وزارت دارائی موقمی که رئیس ضرابخانه بودم رئیس تشریفات وزارت دارائی بودم و کنترولر جنوب بودم استعدا میکنم جناب عالی که معاون وزارت دارائی و رئیس مافوق بنده بودید رفتاری که من کردم بفرمائید چه بوده (امینی - خونی - مال شخصت سال پیش را ایشان یادشان نیست) در موقمی که جناب آقای اسکندری در اصفهان استانداز بودند و بنده در آنجا مشغول خدمات اجتماعی بودم تلگرافی در دوره اعلیحضرت فقید شاه سابق بجناب آقای اسکندری مخابره شد و بنده را احضار فرمودند بهران برای حکومت کرمانشاه بنده از ایشان تمتا کردم تلگراف بکنید که فلانی

بواسطه گرفتاریهای شخصی و کار هائی که راجع بانجمن و ساختمانهاست و اینجام مشغول خدمتگذاری است نمیتواند بیاید همینطور تلگراف فرمودند و جواب آمد که فوراً باید شما حرکت کنید بنده آدمم در اینجا روی سخن بنده با آقایان نمایندگان کرمانشاه است عرض کنم پسر جناب آقای امیر کر کجا تشریف دارند ؟ جناب آقای قبادیان این جا تشریف دارند عرض کنم بنده سه سال در کرمانشاه حاکم بودم بنده تنها میکنم از این آقایان پیرسید که من در کرمانشاه چطور رفتار کرده (قبادیان - با نهایت پاکی و درستی) بنده نمیخواهم عرض کنم که آنچه که ساختمان در کرمانشاه شد آنچه بل ساخته شد و عماراتی که ساخته شد و یلهائیکه ساخته شد فقط و فقط در دوره بنده شده نه قبل از بنده بود نه بعد از بنده عرض می کنم در موقمی که قضایای شهریور پیش آمد تنها کسی که در حوزه قرب و شمال ایران و جنوب ایران فرار نکرد بنده بودم ، قشون تخلیه کرد شهر کرمانشاه را ، شهر بانی تخلیه کرد کرمانشاه را ، ژاندارمری تخلیه کرد کرمانشاه را بنده گفتند آقایانید شما بروید میایند شما را غارت میکنند میکشند شما را ، گفتم آقا من از آنروز تا حالا اینجا نماینده پادشاهی بودم که با نهایت قدرت رفتار کردم از آنروز تا بحال لیاقت من ثابت نشده بود اگر من خدمتی باهالی این مملکت بکنم اگر من خدمتی بکرمانشاه بکنم امروز است والا در موقم دیگر که کاری نکرده ام ، ماندم آنجا تمام اهالی شهر کرمانشاه و البته جناب آقای یالیزی کجا تشریف دارند (یالیزی - اینجا هستم) تمام اهالی اثابته خودشان را کشدند از بالای شهروند بیائین شهر هر چه بسن اصرار کردند که شما دو بالای شهر منزل دارید میریزند غارت میکنند بیاید بیائین شهر آقایان بنده يك علاقه فوق العاده ای داشتند چنانکه امروز دارند گفتم آقا بنده اگر امروز خانه خودم را تخلیه بکنم و بیایم پائین شهر الوار و اشرداری که از بین النهرین هجوم آورده اند بداخله ایران چون آنجا يك اهمیتی بجا کم و استانداز میدهند اگر من تخلیه کنم و بیایم پائین آنها شهر را غارت خواهند کرد والله و بجان همه آقایان (خنده نمایندگان) شب از بالمشگاه نفت رئیس بالمشگاه آمد بنده گفت آقا بالمشگاه نفترا یکمده اشرفی که از بین النهرین وسایر نقاط آمده بودند میخواهند غارت کنند والا اهالی کرمانشاه که مردم نجیب و اصیلی هستند بنده شب در مخزن شهر بانی را باز کردم لباس یاسیان را دادم بسپور شهرداری پوشید و خودم برداشتم بر دم آنجا برای اینکه بالمشگاه نفت را غارت نکنند . آقایان خوبست که در تمام کارها توجه فرمایند و يك خدمتگذار صحیح هم در این مملکت باقی بگذارند ، آخر این که انصاف نیست که آقایان تشریف بیآورند اینجا و غیر متصفانه يك فرمایشانی بکنند و بروند بی کارشان ، روزیکه بنده از کرمانشاه حرکت میکردم عکسهای موجود است جناب آقای قبادیان و جناب آقای یالیزی هم هستند باور کنید تمام اهالی کرمانشاه آمدند به بدرقه بنده و اینقدر گریه کردند برای رفتن بنده که حسرتناز و حسرتناز و بنده از مفارقت برادر خودم اینقدر متأثر نشدم که از مفارقت این مردمان نجیب متأثر شدم ،

دفعه دوم جناب اشرف آقای قوام السلطنه تلگرافی ببنده فرمودند باصفهان ، بنده آقا داد طلب کار نبودم جناب آقای دکتر بقائی جناب اشرف آقای قوام السلطنه روی لطفی که ببنده داشتند و روی اینکه عده ای از اهالی محترم کرمانشاه رفته بودند چنانکه جناب آقای اردلان هم فرمودند رفته بودند خدمت ایشان و تقاضا کرده بودند که بنده بروم بکرمانشاه ایشان تلگرافی فرمودند و بنده را احضار کردند بنده ۲۰ روز بعد توانستم حرکت بکنم وقتی که وارد شدم ایشان در نهایت عصبانیت ببنده فرمودند من يك کار خیلی لازمی باشا داشتم چرا دیر آمدید؟ عرض کردم بنده گرفتار بودم گفتند من میخواهم يك خواهشی بکنم نیابستی رد بکنی عرض کردم که اگر بتوانم اطاعت میکنم گفتند که اوضاع کرمانشاه بسیار خطرناکست آن اشرار آنطرف ، حالا بنده وارد آن قسمتها نمیشوم احتمال خطر دارد که ما نشاه سقوط بکنند و اگر کرمانشاه سقوط بکنند همدان و قزوین سقوط خواهد کرد شما باید بروید آنجا و علاج آنی بکنید شرفیاب شدم حضور اعلیحضرت هایبونی فرمودند شما در بیش من سوابق بسیار خوبی دارید من منتظر هستم که شما بروید و این اشکالاتی که در قرب هست فوراً رفع کنید بنده خدمت جناب اشرف آقای قوام السلطنه عرض کردم حاضریم بيك شرط بشرط اینکه بعد از آنکه رفع اشکال شده بنده را احضار بکنید فرمودند چقدر طول میکشد بنده عرض کردم بین یکماه الی یکماه ونیم ، چون بنده باتمام آقایان اهالی غرب مربوط هستم و با اغلب عشایر نجیب آنجا ارتباط دارم ، بنده میدانم که مأمورین اسباب زحمت را فراهم کرده اند سوء استفاده ها ، فروش قند و شکر ، حق و حساب خواستار از پارچه و غیره ، اینها اهالی غرب را عصبانی کرده بنده میروم ، این آلام را تسکین میدهم آنجا در ظرف یکماه دعوت کردم از تمام رؤسای ایلات غرب از کردستان و کرمانشاه بکروز صد و پنجاه نفر رؤسای محترم ایل در کرمانشاه جمع شد و در داخل شهر جناب آقای امیر کل و خانواده جناب آقای یالیزی کمک کردند در خارج جناب آقای قبادیان و سایر رؤسای ایلات در کردستان جناب آقای آصف و سایر آقایان جمع شدند آنجا و تلگرافی کردند بدولت که ما مثل سرباز برای دولت تا آخرین نفس میجنگیم و قاضی محمد و محمد قاضی دهنش میچاید که کرمانشاه را بخواهد تسخیر کند يك سیانیه ای هم در خود کرمانشاه انتشار دادند برای اینکه وزارت کشور ده مراسله تقدیر به بنده نوشتند جناب اشرف آقای سنغست وزیر نوشتند ، وزارت جنگ نوشتند ، تمام وزارتخانه ها نوشتند ، و بالاخره اعلیحضرت هایبونی که يك پادشاه عادل و متوجه بهمة مطالب هستند به بنده يك نشان همایون برای این خدمتی که انجام دادم مرحمت فرمودند بنده میخواهم سؤال بکنم در طرف این مدتی که بنده در غرب خدمت کردم کار بانی کردم آنجا جنات آقای یالیزی ؟ (یالیزی - خیر آقا هلیاتان بسیار خوب بود) روزیکه بنده از کرمانشاه تلگراف کردم بدولت و گفتم آقا کار اینجا تصفه است و تلگرافاتی که رؤسای ایلات کردند و اتحادیه محکمگی که تشکیل دادند دیگر خطری برای کرمانشاه

نیست حالا هر کس دیگر میتواند اینکار را انجام بدهد تنها میکنم که بنده را احضار فرمائید باور بفرمائید که يك تلگرافی بدولت کردند با امضای مردمش که اسباب عصبانیت جناب اشرف هم شد این قضیه . امضای اولش امضای جناب آقای امیر کل است و سایر آقایان تلگراف کردند که ما غیر از اهرازیکی حاکم دیگری را در کرمانشاه نمیتوانیم بین گفتمند شما چرا اینطور میکنید بنده عرض کردم کاری نکردم بنده تقصیر ندارم بنده را احضار فرمودید آمدم ، بهتر از این که نمیشود بنده آمدم اینجا مساوی نخست وزیر شدم و وزیر پست و تلگراف (قبادیان) آقای نیک بی کافی است بایستی مجلس رأی بدهد و قضاوت کند (صحیح است) بنده مطالب زیاد و کافی دارم ولی مطیع هر طور که اراده بفرمائید ، بوجدان يك آقایان و اگذار میکنم (بعضی از نمایندگان - رأی رای)

رئیس - دو پیشنهاد رسیده یکی راجع برای با ورقه و یکی هم راجع برای مخفی که البته رأی مخفی مقدم است .
دکتر بقائی - بنده میخواستم اعلام بکنم که رأی مخفی را آقای اعزاز نیک بی تهیه کردند بنده تقاضای رأی با ورقه نموده ام .
رئیس - پیشنهاد رأی مخفی قرائت میشود که رأی گرفته شود ،

(شرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم که نسبت باعتبارنامه آقای اعزاز نیک بی با مهره مخفی رأی گرفته شود کشاورز صدر صاحب دیوانی - رحیمیان - فضنفری ، عرب شیبانی ، اسلامی - اعظم زنکنه برزین ، ملکی - منصف ، دکتر راجی ، عبدالقدیر آزاد ، یالیزی ، آشتیانی زاده ، بازم ۱۵ امضای دیگر هست (صحیح است)
رحیمیان - بنده طرفدار رأی با ورقه هستم و منظوم رأی مخفی نبوده است و امضای خودم را پس میکنم .

رئیس - بسیار خوب بازم امضای زیادی باورقه هست ، پیشنهادی هم رسیده که مطابق ماده ۹۲ رأی گرفته شود عده حضار ۱۰۹ نفر ، با مهره رأی گرفته میشود آقایانیکه موافق با گزارش شبهه و نمایندگی آقای اعزاز هستند مهره سفید مینهند و آقایان مخالفین مهره سیاه طبق ماده ۹۱ که مینویسد اخذ رأی مخفی به ترتیبی است که درباب اخذ رأی علی باوراق درمحل نطق ذکر شد ولی در عوض اوراق مهرهای سفید و سیاه استعمال میشود مهره سفید علامت قبول و مهره سیاه علامت رد است ، منشیان مهره های رأی را در يك نظر فری ریخته و بطور آشکار شماره نموده و مهرهای سفید گاز سیاه جدا میکنند و از همین قرار مهرهای تفتیشیه را بشمارند ، ماده ۹۲ که اسامی آقایان بترتیب قرائت می گردد رأی گرفته میشود .

(اسامی آقایان نمایندگان بترتیب زیر قرائت شد واخذ رأی بعمل آمد)
آقایان : یالیزی - سیدعلی بهبهانی ، عامری دکتر مصباح زاده - افیمی - خسرو هدایت - محمد ذوالفقاری - اسلامی - اقبال - مکی - مسعود ثانی ، امامی اهری - اودنک سلمانی ، دکتر معظمی ، مهدی ارباب

گلبادی ، تولیت ، منصف ، اسدی ، عباس زراقی - امامی خویی ، شریف زاده - قهرمان - دکتر فلسفی ، اردلان حاذقی ، ایقوانی ، بودافغان - سزاوار - دکتر بقائی حائری زاده برزین - مهندس رضوی ، دکتر اعتبار - رفیع ، محمد علی مسعودی ، امامقانی - رضوی - نیکبور امیر تیمور - ابوالقاسم امینی - کهدی - عباس اسکندری امین التجار ، صاحب جمع - بختیار - بیات - کفائی ملک مدنی - رحیمیان - قبادیان - مشایخی - دهقان - ایلخان سلطان العلماء کشاورز صدر - دکتر امینی ، ونوق نبوی - اشرف - آشتیانی زاده - گنجی - سیدهاشم وکیل - معتد دماوندی - محمود محمود - آصف - لاهوتی - صفا امامی - عباسی - دکتر متین دفتری - ملکی - شریعت زاده - مکرر - ناصر ذوالفقاری - موسوی - ابوالقاسم بهبهانی - معین زاده - جرجانی - صادقی دکتر راجی - آزاد - غضنفری - نواب ظفری ارباب کبیر - فرامرزی - صاحب دیوانی - قوامی - ملک پور عرب شیبانی - اخوان - ناصری - دکتر مجتهدی - دکتر طبا - امیر نصرت اسکندری - بهادری - پانسانقلیج - خویلیار - سالار بهزادی - ضیاء ابراهیمی - گنابادی - فاضلی - هراتی - علی وکیل - صدر زاده - فولادوند - دادور - اعظم زنکنه - شمارش مهره های تفتیشیه و سفید و سیاه بعمل آمد و نتیجه بقرار زیر اعلام گردید .
(مهره تفتیشیه ۱۰۹ - مهره سفید ۶۲ مهره سیاه ۴۶)

رئیس - از ۱۰۹ مهره تفتیشیه که شماره شد ۶۲ مهره سفید و ۴۶ مهره سیاه بود ، بنابراین اعتبار نامه آقای اعزاز نیک بی با کثرت ۶۲ رأی از ۱۱۰ نفر عده حاضر تصویب گردید . نمایندگان آقای امین التجار مطرح است و آقای محمود مخالفت خودشان را باعتبار نامه ایشان پس گرفته اند .
فرامرزی - بنده در مخالفت خود باقی هستم .
رئیس - شما اگر در مخالفت خود باقی هستید بفرمائید .

فرامرزی - بنده اول خواستم که فقط سؤالی بکنم بعد چون میخواستم يك حرفهایی در اینجا زده شود و ترسیدم تمام حرفهاییکه میخواهم زده شود ، زده نشود این بود که استفاده کردم از موقعیت که بصورت مخالفت بگویم ، آنساعتی که من مدادم را روی میز زدم و قتیکه اعتبار نامه آقای امین التجار مطرح شد تمام نمایندگان روشنرا بر گردانند و بمن نگاه کردند و تعجب کردند ، البته اگر این عمل بقصد مخالفت با حاجی امین بود تعجب هم داشت برای اینکه من با آقای حاج امین مخالفت شخصی و خصومت شخصی ندارم او را نماینده تعبیلی اصفهان هم نمیدانم (صحیح است) و هر طور باشد جریان انتخابات اصفهان ، بیش من معق است که آقای حاجی امین نماینده اصفهان است و راجع بصلاحت شخصی حاجی امین هم تا حدودیکه من اطلاع دارم آقای حاجی امین مرد درست با تقوی ، پاکدامن ، پرهیز پرستی است (صحیح است) ولی آمدم اینجا که بعنوان مخالفت با آقای حاجی امین دفاع از اصلی بکنم که همه ما ها باید در حمایت آن اصل زندگی کنیم و آن اصل حق و عدالت است اگر در مملکتی اشخاصی نباشند که از حق فقط برای خاطر حق دفاع کنند آن مملکت

مردنی است ، وقتی نگاه بسر ترقی و انحطاط ملل میکنیم می بینیم که آن موقعی يك ملتی ترقی میکند که افرادش یا افرادی در آن معتقد بحق و عدالت باشند و خودشان را موظف بدانند که از حق و عدالت دفاع بکنند ، مثلا مملکت فرانسه که در قسمت زیادی در تمدن باو اقتدا میکنیم و از او اقتباس میکنیم می بینیم که يك دوره های ترقی و تنزل دارد ، در دور ترقی فرانسه آنساعتی که می بینیم دولت فرانسه همه اش روبرقی و سعادت می رود نگاه میکنیم می بینیم که مثلا یکی از آن قضایا قضیه محکومیت در یفوس سروان معروف یهودی است از ارتش فرانسه يك نقشه ای هم شد که آن نقشه در دست دشمن افتاده و فقدان آن نقشه وبدست دشمن افتادن آن بضرر ارتش فرانسه تمام شده خیلی از جهات فهمیدند که این نقشه را یکی از افسر هادزیده وبدشمن داده است ، فکر کردند که کدام افسر این کار را میکند چشم تحقیق گشت در میان افسرها و افتاد روی در یفوس دیدند که در یفوس مردی است اولاً عباس که محتاج پول است یهودی است که معروف است بیول پرستی ، میخواهم ببینم توهین کرده باشم واز پشت این تریبون میخواهم يك جمله ای را که گاهی باسم یهودی برده شده تصحیح کنم که منظور از این نمایندگان یهودی های ایرانی نبود برای اینکه یهودی ایرانی است و در تمام حقوق ایرانی و در تمام دنیا شهرت دارد که آنها پول پرست هستند بهر حال گفتند این یهودی است عباس است پول پرست است ، و فرانسوی هم نیست برای اینکه مهاجر است پس لابد کار او است او را گرفتند و بردند پای میز محاکمه ، روی توهم اینکه یعنی روی علم قبلی قاضی روی تصور قبلی قاضی که این آدم این عمل را کرده او را محاکمه کردند و محکومش کردند و تبعیدش کردند يك جزیره بنام جزیره جهنم که آنجا تبعید گاه مجوسین بجسب ابدی فرانسه است ۱۵ سال بعد از این قضیه بعضی از نویسندگان فرانسه بفکر افتادند یعنی قرائن و دلایلی دیدند که در یفوس بیگناه بوده و بصرف تهمت و توهم او را محکوم کرده اند عده ای از فضلا و نویسندگان فرانسه تمهید کردند که از این مرد دفاع بکنند از آنچه ... (دکتر معظمی امیل زلا بود) آنانول فرانس که استاد کلژ دو فرانس بود دید با مأموریت دولتی که دارد نمیتواند بدولت حمله کند و از مقصد دفاع کند ، استفاداد از مأموریت دولت و از شغل استادی مدرسه ای که آن مدرسه مال دولت بود . بعد دید که آزادی کامل در خود فرانسه بقدر انگلیس نیست رفت در انگلستان نشست و از در یفوس يك سروان یهودی مهاجر متهمی که ۱۵ سال پیش محکوم شده بود و هیچ دستی بدنیا نداشت دفاع کرد ، یکی دیگر از آن نویسندگان همانطوریکه آقایان فرمودند امیل زولا نویسنده معروف بود که مقالاتی نوشت تحت عنوان اینکه من محکوم میکنم ، تمام آقایانیکه با ادبیات فرانسه آشنا هستند از این قضیه البته اطلاع دارند این نویسندگان شرافتمند بقدری نوشتند تا افکار عمومی ملت فرانسه روی اینکه يك محاکمه ای بناحق جریان یافته و يك مردی بناحق محکوم شده

و اگر بناشد در دادگاه يك ملتی شخصی بناحق محکوم شود هیچک از این ملت امنیت قضائی نخواهند داشت بهیچان آمد و از دستگاه قضائی و هیئت حاکمه خواست که در محاکمه در یفوس بعد از ۱۵ سال تجدید نظر کند ، دوباره محکمه تشکیل شد این دفعه محاکمه روی فکر باز روی عدم توجه باینکه این آدم قصر است یعنی قبل از اینکه محاکمه اش بکنند او را مقصر تشخیص ندادند روی قرائن و دلایل مدارک را رسیدگی کردند و دیدند که در یفوس بیگناه است و او را تبرئه کردند و با یک تجلیلی او را برگرداندند بفرانسه و قتیکه وارد پاریس شد مثل يك سردار فاتحی وارد پایتخت شد و از او قهرمانی کردند ، آن موقع در یفوس جوان با نشاط دیگر پیر و شکسته شده بود دیگر از لذایذ زندگی لذت نمیرد و لکن شاد بود آن چیزیکه بشر بیش از همه چیز بان اهمیت میدهد از خطر نجات یافته و آن حیثیت و شرافت و نام نیکش است ، چه طور شد که این نویسندگان بفکر افتادند که در یفوس بیگناه است ؟ زن او رفت پیش امیل زولا گفت من متقدم که شوهرم بیگناه است گفت چرا ؟ گفت برای اینکه روزیکه میخواستند او را ببرند گفت محکمه و دادگاه مرا محکوم کرد افکار عمومی هم بدنال آن رفت ولی تو بدان که من بیگناه میروم و اگر بیگناه نبود در آن ساعت احتیاج نداشت که این حرف را بزنی . روی این حرف آن نویسندگان و متفکرین عمل کردند ، افکار عمومی را بهیچان آوردند و نگذاشتند که بکنفر سروان یهودی در میان يك ملت کاتولیک متعصب که همه مردم از تاریخ تعصب ملت فرانسه اطلاع دارند محکوم بشود و بناحق او را تبعید کنند و از حقوق اجتماعی محرومش بکنند يك چنین ملتی که این جور رجال در آن پیدا می شود مردمش اینطور معتقد بحق و حقیقت میشوند البته آن قدر ترقی میکنند

شاهما ، یعنی از امنیت آن تماشاجها و آن مردمی که در خارج از مجلس هستند دفاع میکنم (صحیح است) مؤثر واقع بشود یا نشود نمیدانم ولی وظیفه خودم را انجام میدهم . جناب آقای حاج امین که این جا تشریف دارند همانطور که عرض کردم در يك محکومیتی ، در يك محاکمه ای محکومیت دارند مقصود از این محکومیت البته محکومیت ایشان نبود و محکومیت یکی از سیاستمداران بزرگ و رجال نامی این کشور بوده (عباس اسکندری - آقا قهری توضیحجان بیشتر باشد که به بینیم مقصودتان چیست چه بوده و کی کرده ؟) آقای حاج امین میخواهم جسارت کنم و عرض کنم چرا این جا نشسته اید ؟ مگر شما نمیدانید کسی که محکوم شد نمیتواند وکیل ملت شود البته خواهید فرمود بناحق محکوم شدم یا خواهید فرمود مشمول عفو شاهانه شدم یا خواهید فرمود برور زمان اعاده حیثیت کرده ام تمام این هارا من میدانم و تصدیق میکنم ولی عرض میکنم چرا مثل سایر محکومین دوره دیکتاتوری عرضحال بدادگاه ندادید که در دادگاه ثابت شود که شما بناحق محکوم شدید شاید ایران تشریف نداشتید (حاج امین التجار - در ایران نبود) بنا بر این از آن مطالبی که می خواستم باین مناسبت عرض کنم صرف نظر میکنم و بنا بر این رور میکنم دو باره بطرف آقایان نمایندگان و مرس میکنم آقایان من خیلی متأسف هستم که نسبت بيك شخص محترمی که خودم غیر از احترام و محبت در قلب خودم نسبت باو هیچ چیز احساس نمیکند مخالفت میکنم و اگر این محکومیت تنها مربوط به شخص آقای حاج امین بود شاید سکوت میکردم ولی متأسفانه ایشان با اینکه محکوم شدند وسیله اجرای اغراض محمد حسین آیرم رئیس شهرانی آنوقت شد و یکی از برجسته ترین رجال این مملکت را بدام افکنند با فشار و اعمال نفوذ او را محکوم ساخت که از زیر رقابت و نظارت بيك مرد بیدار مقتدری آسوده شود و آن کل ها را بکنند که بعد کرد و منجر شد بفرار او از ایران و دیگر بر نکشت و خوب است که بهم نگرند من خیلی دور از انصاف می بینم که در يك قضیه دو نفر محکوم شوند یکی از آن دو نفر به مجس برود و در مجس جام مرگ بنوشد و خانواده او بر اثر رفتن او که ستون آن خانواده بود مجازات می شود و نفس هم از کسی در نیاید ، آقایان من میخواهم عرض کنم که ملتی که محاکمات او تحت تاثیر اغراض جریان پیدا میکنند و آن ملت میدانند که دادگاه او و محاکمه او اینطور است و کیکش هم نمیکرد آن ملت نمیتواند زندگی کند (صحیح است) آن ملت از حیات نمیتواند استفاده بکند ، آن ملت نمیتواند با تپش امیدوار باشد . بنده امروز میخواهم از فرصت استفاده بکنم و بنسب طرح اعتبار نامه آقای حاج امین بيك محکومیت جعلی و بيك قضیه عبرت انگیزی را از زیر ۱۴ سال پرده فراموشی بیرون بکنم و بگویم که بيك محکومیت بناحق که آقای حاج امین در آن محکومیت شرکت داشته اند جریان داشته و بقیه خودم با این هلی که میکنم از امنیت قضائی ملت ایران یعنی از امنیت خودم ، یعنی از امنیت

آقایان : در مملکتی که محاکمه و محکومیتش اینطور باشد میشود بزندگی امیدوار بود ؟ کسی تأمین دارد ؟ چه خوب فرموده بود مرحوم مشیر الدوله که اگر تیمورتاش را فدای عدلیه کرده بودند بهتر از این نبود که عدلیه را فدای تیمورتاش کردند . این جمله را آقای سید هاشم وکیل برای من نقل فرمودند که الان این جا تشریف دارند البته ممکن است کسی بگوید که قضیه گذشته است ... (عباس اسکندری آقا بفرمائید کی عدلیه را فدای تیمورتاش کرده شجاعت داشته باشید بکشید آقای رئیس بنده اجازه میخواهم که عرض کنم) .
آقایان : ما باید باینگونه قضایای کهنه هم رسیدگی کنیم برای اینکه نظایر آن دیگر رخ ندهد و اصولی پیش بیاید که بتوانیم در حمایت آن زندگی بکنیم در مملکتی میتوان امنیت قضائی داشت که اشخاص مثل اناتول فرانس و امیل زولا و سایر نویسندگان بزرگ فرانسه پیدا بشوند و از يك سروان یهودی مهاجر بی وسیله ، بی کس و کار که در يك جزیره دور افتاده محبوس است دفاع بکنند تا معلوم بشود که او بناحق محکوم شده و اعاده حیثیتش بشود (گلبادی - آقای فرامرزی شما هم نویسنده ای دفاع کنید) نه در مملکتی که اشخاص خودشان هم محکوم شوند و هم وسیله داشته باشند که خودشان را تبرئه بکنند یا بکنند و آنوقت حق نمایندگی پارلمان و نظارت بر اجرای عدالت هم داشته باشد ، حق قانونگذاری هم داشته باشد . من البته اعتراضی که با آقای حاج امین دارم از این لحاظ است که ایشان با این اعلام جرمی که کرده اند گذشته از اینکه بخودشان صدمه زده اند موجب بر باد رفتن بيك خانواده محترمی شده اند و نمیتوانستند که هیچ خرابی را جبران کنند و نکردند (کشاورز صدر - اعلام جرم چیست آقا ؟) همانرا عرض خواهم کرد ، بدتر از آن این است که البته آقایان میدانند پس از شهریور ۱۳۲۰ تمام آن کسانی که محکوم شدند ، بودند اعاده دعوی کردند در دادگاه تجدید نظر خواستند و تبرئه شدند و حتی بعضی ها اسناد و مدارکشان بقدری قوی بود که همیشه محکمه تبرئه شان میکنند یعنی اگر دوباره محاکمه شان میکردند باز تبرئه میشدند ، عفو شاهانه راجع با آنها صادر شد برای اینکه از نظر سیاسی محکوم شده بودند ولی در همان ۱۳۲۰ بيك قانونی آوردند بمجلس که بموجب آن قانون این حق را از اشخاصی که مرده اند و در قید حیات نیستند سلب میکند و من نمیدانم چرا اینکار را کردند یعنی آنها خیال کردند که مقصود از محکومیت یا تبرئه فقط جنبه مادی بوده است . شخص وقتی که در قید حیات نیست میخواهد چه کند که محکوم شود یا تبرئه شود . اینها گویانی دانستند که آدم بنام نیک بعد از مرگ بیشتر اهمیت میدهد تا بيك امور مادی (صحیح است) بیشتر ترقیات علم ، ترقیات تمدن و صنایع مستزفه فقط برای این شده که آدم میخواهد بعد از مرگش معروف باشد اسمش جاویدان بماند و گذشته از آن هر کسی خانواده ای دارد که نام نیک پدر یا اجداد در حیثیت این خانواده تأثیر دارد ما الان نگاه میکنیم در اجدادمان ، میگرددیم ببینیم کدام يك از آنها نیک نام ترند که با آنها افتخار بکنیم واز آن گذشته مطالب مادی هم باین قسمت مترتب میشود یعنی بورا يك

مرد محکوم هم از لحاظ منطقی و هم از لحاظ مادی صدمه می رسد پس من نمیدانم که این قانونی که هر کس اصول خوانده باشد و فلسفه قانونگذاری را بداند میدانند که بر خلاف اصل قانونگذاری بوده است چرا اینکار را کردند؟ این است که من اینچنین از علمای حقوق که تشریف دارند در این مجلس مخصوصاً جناب آقای دکتر متین دفتری که در آن موقع معاون وزارت دادگستری هم بوده اند و امیدوارم باین جمله توجه فرمائید که در آن موقع معاون وزارت دادگستری بودن یعنی چه؟ چه باید کرد که این ظلمی که نسبت بکسانی که بناحق محکوم شده اند و هیچ گونه وسیله ای برای دفاع از خودشان ندارند رفع شود این ظلم و حالا تا این قانون بقوت خودش باقی است من میخواهم از این قضیه دفاع کنم یعنی چون متعهد برقع این ظلم نیست بنده باین مناسبت یک تقاضای جزئی را میخواهم بیک قاعده کلی قرار بدهم و از این قضیه دفاع کنم، یک سیاستمداری که مکرر روی این صندلیها نشسته، مکرر همین جاها نشسته برای خاطر افراض یک رئیس شهربانی دیکتاتوری که تنها وسیله او یا مهمترین وسیله قدرت او سماعت و نامی نزد پادشاه وقت بوده و فدا شده دفاع کنم و هر چند میدانم آقایان خسته هستند ولی چون این شرایطی که من میگویم برای دفاع از حق است خواهش میکنم برای خاطر حق تحمل بکنند و گوش بدهند (جمعی از نمایندگان - بفرمائید) هر کس دوره دو ماهه روزنامه آینده ایران را که با آقای دکتر مصباح زاده در ۱۳۲۰ منتشر کردیم خوانده باشد می بیند که من اول کجا بودم که محسنات مرحوم رضاشاه را بیان میکردم (صحیح است) آنوقت که هیچکس نمیگفت و حالا هم متقدم که البته او خدمات گرانبهایی کرده است (صحیح است) ولی در هر دوره دیکتاتوری اشخاص استخواندار و مؤثر فدا میشوند و در این دوره هم این طور شد و این لازمه حکومت دیکتاتوری است در هر دوره ای و در هر عصری و باین جهت در بین مردم متفکر دنیا هستند مردمی که آزمایش کرده اند رژیمهای دنیارا و با هیچ قیمتی دیکتاتوری را برای هیچ ملتی قبول ندارند برای اینکه دیکتاتوری در این حال که محسناتی دارد مضار نسبت به راحت و آسایش جامعه زیاد است. یکی از آن قربانی ها مرحوم تیمور تاش بود که فدای افراض آیرم شد و آقای حاج امین بر علیه او اعلام جرم کرد و معاکمه او در یک محیط ترور و وحشتی که همه آقایان اطلاع دارند صورت گرفت. و از قرار آنکه من شنیدم مرحوم تیمور تاش اول آقای شریعت زاده را که از دوستان نزدیک ایشان بود و کسب مدافع خودشان قرار دادند و آقای آیرم مخالفت کردند منجر باین شد که ایشان دخالت نکنند و دو نفر دیگر بوالکالت مین شدند اینطور نیست آقای شریعت زاده؟ (شریعت زاده - صحیح است آقا) مقصودم از ذکر این مطلب فقط برای این بود که نشان بدهم وضع معاکمه طبیعی نبود و همه ماها میدانیم که آنوقت آقای حاج امین بر علیه یک بقالی هم نمی توانستند اعلام جرم بدهند تا چه رسد بر علیه تیمور تاش (حاج امین التجار - اعلام جرم نبود) بعداً توضیح میفرمائید. (آشتیانی زاده - حالا قضایا روشن میشود) گله ای که از آقای حاج امین من دارم و ایرادی که

میشود گرفت این است که ایشان وسیله اغراض یک رئیس شهربانی دیکتاتور شدند و بعد عمل میکردند (حاج امین التجار - بنده خودم توضیح خواهم داد) من مخصوصاً اینها را میگویم که شما بگوئید یکی از دوستان من می گفت که در همان ایام من از آقای دادستان دیوان کیفر شنیدم که میگفت بر فرض ما میخواستیم تیمور تاش را محکوم بکنیم بچه وسیله این کار را می میکردیم آقای حاج امین اعلام جرم کردند و ما هم رسیدگی کردیم و قبل از اقامه دعوی به آقای حاج امین وعده عدم مجازات داده شد که بعد از صدور رای در تاریخ ۱۲۷۴ شرحی از وزارت دادگستری بشماره ۱۹۹۸۹ به ریاست وزراء نوشته میشود که چون آقای حاج امین یکی از تجار معروف مملکت است و این جنس لطمه و شکست بزرگی بحیثیت و امور تجارته مشار الیه وارد می کند با ملاحظه رویه که مشار الیه در طی تحقیقات اتخاذ نموده و حقیقت امر در نتیجه اقدامات او کشف شده و حالیه از عمل خود نادم است مستحق عفو ملوکانه می باشد. وزیر عدلیه (سزاوار - صدر زاده - وزیر عدلیه کی بوده؟) نمیدانم آقایان در الفاظ عبارت دقت فرمودند یا نه اولاً نمی دانم چرا عدلیه این قدر دقیق بوده که نخواست در نتیجه حبس بحیثیت و امور تجارته یک تاجر معروف (سزاوار - آقا وزیر عدلیه کی بوده) نمیدانم (سزاوار - چرا نمیدانید آقا؟) یک تاجر معروف لطمه وارد شود ولی اهمیت ندارد که در نتیجه حبس معروفترین سیاستمداران آن عصر نابود و خانواده او هم نابود شود و دوم چرا اینقدر بحکومت یک طرف اهدیت داده که چون قضیه کشف می گردد و موجب میشده که یکی محکوم بشود آن دیگری مستحق عفو بشود این دلیل این بود که محکوم نظری نداشته (نراقی - آقای فرامرزی دادستان، آقای سروری وزیر عدلیه جدید میباشند) (اسلامی - فکر حالا را باید بکنند) باید آن قضایا را گفت که دیگر تکرار نشود باید یک محکومیت بناحق ترتیب اثر داد تا جلوگیری بشود از یک محکومیت دیگری که واقع نشود یک محکومیتی که واقع نشده میشود و محکومیتی که واقع شده واقع شده آنهم که واقع نشده نشده (فولادوند، مازندرانی ها اینطور قضاوت می کنند) (اسلامی) آن محکومیت هادرست است؟ حالا هم درست نیست) وقتی که یک قضیه ای مطرح است و می بینید که بر خلاف حق است بهش اهمیت بدهید تا نظایر پیدا نکنند دلیل اینکه این تباہی بود و قبل از اینکه این نامه صادر شود خیلی زیاد است یکی هم اینست که در تاریخ ۱۲۷۹ یعنی پنج روز بعد تحت شماره ۴۶۱۶ رئیس الوزراء بوزیر عدلیه می نویسد که یکسره تخفیف در باره حاج امین مورد تصویب واقع شده و وزیر عدلیه در تاریخ همانروز بیار که دیوان کیفر ابلاغ میکند که تخفیف مزبور اجرا شود و همانروز هم با آقای حاج امین ابلاغ میشود البته اینجا آقایان قضاوت و حکم عدلیه زیاد هستند خوب میدانند که این سرعت جریان در عدلیه نه تنها بی نظیر است بلکه نظیر این در بیست روز هم در سریع ترین دستگاه قضائی ما ممکن نیست انجام بشود دلیل روشنترش هم اینست

که نامه در همین پرونده هست که آقای رئیس الوزراء وقت بوزیر عدلیه وقت در تاریخ ۱۲۷۲ ر ۱۳۱۲ تحت شماره ۴۷۴۳ مینویسد (اسلامی - آقای فرامرزی اینها را نجیب و وزیر عدلیه وقت کی بوده؟) (سزاوار - اسامیشان را بگوئید) رئیس - آقا اخطار میکنم شما ساکت باشید نظم را مراعات کنید.

فرامرزی - ۰۰۰ می نویسد که قبل از آنکه استعفای تخفیف مجازات بشود موضوع تخفیف و استعفا و قبول آن در جریان متعکس شده یعنی قبل از اینکه وزیر عدلیه تقاضا بکنند از رئیس الوزراء و رئیس الوزراء ابلاغ بکنند قضیه قبل از روزنامه ها متعکس شده که این قضایا رخ خواهد داد آقای رئیس الوزراء اعتراض میکنند بوزیر عدلیه که چرا این قضایا جریان یافته (نراقی - حکدام روزنامه ها بوده؟) عرض کردم از روز نامه نقل نمی کنم از آقای رئیس الوزراء وقت سؤال بفرمائید (نراقی - تسوی حکدام روز نامه بوده؟) او نوشته من ننوشتم، و وزیر عدلیه جواب میدهد که این قضیه از جای دیگر دوز کرده نه از ناحیه وزارت دادگستری پس ما از این مکاتبات چه نتیجه می توانیم بگیریم؟ (یکی از نمایندگان - تباہی) تباہی وظیفه تحقیقات اما اصل موضوع چه بود اجازه بدهید اصل موضوع را هم بطور اختصار بمرض آقایان میرسانم و بعد برایشم خاتمه میدهم برای اینکه یکی از بدشانسی های من اینست که هر وقت می آیم پشت تریبون وقتی است که مجلس کارهایش را کرده است و خسته شده است (یکی از نمایندگان - خیر خسته نیستیم بفرمائید؟) در دیوان جزای همان دولت که اصولاً آن محکمه صلاحیت رسیدگی باین قضیه نداشت موضوع اعلام جرم آقای حاج امین این بود که در اعطای انحصار صدور تریاک بوسیله عقد قراردادی بین وزارت دارائی و ایشان مرحوم تیمور تاش نه هزار لیره از ایشان رشوه گرفته (حاج امین التجار - تکذیب میکنم) و یکی بعنوان راشی و دیگری بعنوان مرتشی محکوم بحبس گردیدند اگر اعلام جرم را تکذیب بفرمائید آقای حاج امین التجار محکومیت را نمی توانید تکذیب بکنید و از این دو محکوم فقط یکی مجبوس و محکوم و دیگری هیچ ضرری ندید پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ که آقای حاج امین بایران برگشتند تحت عنوان «انظر فامیل محترم تیمور تاش بگذرد» یک نامه ای بخوانه تیمور تاش نوشته اند که الان نزد بنده است و بتمام ریاست تقدیم میکنم این کافد که ببارک حبیب الله امین و تمام صفحات آن بامضای ایشان مزین شده است و اینطور شروع می شود «میخواهم حقیقت جریان امر را بطور اجمال و خلاصه باطلاع آندوات محترم رسانیده و وجدان شما را از سنگینی بار محکومیت خیالی نسبت بان مرحوم آسوده نمایم» اجازه میخواهم قبل از ادامه نامه آقای حاجی امین توضیح کوچکی بدهم و آن این است که در سال دوم و سوم سلطنت اعلیحضرت پادشاه فقید صدور تریاک خیلی تنزل کرد و هم خود شاه اعلیحضرت مرحوم و همین وزیر دربارشان خیلی سعی کردند که این کار را بکنند که ترقی در آن بدهند و به قنصلهای ایران در هندوستان نبوی و عطیشی دستور دادند که آنها مطالعه بکنند بینند

چه میشود کرد و آنها نتوانستند کاری بکنند آقای حاجی امین راجع باین قضیه اینطور مرقوم فرمودند: در اوائل سال ۱۳۰۹ دولت در نظر گرفت که صدور تریاک را هم مثل مصرف داخلی آن بصورت انحصار درآورد ولیکن بواسطه بعضی محظورات که از لحاظ سیاست خارجی در کار بود دولت نمی توانست که خود و بطور مستقیم حامل صدور گردد لهذا در نظر گرفته شد که بتاجر با تجاری که سابقه تجارت صدور تریاک را دارند انحصار صدور واگذار شود و دولت یک تا کس صدوری بیش از معمول انحصار دریافت دارد. چون در این امر یا هر امری اراده مقام سلطنت شرط بود من بحضور اعلیحضرت احضار شده و بطور خلاصه چنین فرمودند که کار صدور تریاک و تجارت آن در شرف از بین رفتن است و چون اصولاً تریاک در انحصار دولت است باید صادر ات آنها انحصار گردد و بنابراین دستور دادم که انحصار صدور تریاک از طرف دولت بشما واگذار گردد و من تا خواستم امتناع کنم یعنی آن عملی که نه هزار لیره رشوه داده بشود و من تا خواستم امتناع کنم فرمود پس کی وجه وقت شما میخواهید بملکت خدمت کنید اگر بتهائی نمیتوانید سایر تجار ذینفع را هم ممکن است شریک کنید وزارت مالیه قرار دادی را تنظیم نمود که بجای صندوق یک هزار ریال که تا کس صدور است سه روز پس از امضای قرارداد مجدداً بدربار احضار شدم که چون در مقابل صادراتی که میتوان تحصیل اسعار نمود تریاک است بنا بر این باید در ظرف سه سال سالی پنجاه هزار لیره از اسعار حاصله بنرخ روز بدربار بفروشم این عین عبارت ایشان است و البته آقای تقی زاده وزیر دارائی وقت نامه ای نوشته اند بحکم کدر محکمه موجود است و اقرار کرده اند که چنین قراردادی هست باز مینویسند ایشان پس از یکی دو هفته با اجازه اعلیحضرت باصفهان و شیراز و بوشهر رفته و با تاجر ذینفع صحبت نموده در نتیجه فقط دو نفر حاضر شدند که ۴ درصد شرکت کنند بشرطی که مسئله تمهید فروش سالی ۵۰ هزار لیره از بین برود در آنوقت اعلیحضرت از مسافرت کرمان مراجعت و از راه نائین عازم تهران بودند آقای دبیر اعظم بهرامی استانداری اصفهان آقای عداد السلطنه قاطمی و من از اصفهان به نائین رفتیم از من سؤال فرمودند که در شیراز چه کردی عرض کردم فقط دو نفر از تجار حاضر شدند شرکت نمایند آنهاهم بشرطیکه موضوع فروش سالی ۵۰ هزار لیره برداشته شود فرمود من اینها را می شناختم که از اینها کاری ساخته نیست تو خودت به تنهایی مشغول کار باش و دولت هم مساعدتهای لازمرا میکند این را باید بمرض مجلس برسانم که آقایان قاطمی و بهرامی کدر این ناحیه ذکر ایشان رفته این قضیه را تصدیق کرده اند و کتباً شهادت داده اند که شهادت آنها را تقدیم خواهم کرد بحضور جناب آقای رئیس میفرمائید من مایوس تهران مراجعت کردم چون راجع بفروش لیرهها تمهید کتبی سیرده بودم پس آقایان ملاحظه بفرمائید که آقای حاجی امین از این قرارداد راضی نبودند و بهشان تحمیل شده بود. بنا بر این نمیدانم راجع بیک معامله ای که بزور بادم تحمیل میشود آدم

چهار جور ممکن است نه هزار لیره رشوه بدهد میفرمائید یک سال از اینست گذشت و در مواقع شرفیابی روزهای دو شنبه اعلیحضرت اشاره باین موضوع میفرمودند و من هم بعد از اینکه هنوز از معاملات آن نموده ام فقط بقدر پرداخت تا کس صدور اسعار گرفته ام مطلب را موصول بآئینه میگردم تا آخر اردیبهشت ۱۳۰۹ یک روزیکه من مریض بودم مرحوم تیمور تاش نزد من آمده گفتند که برای معرفی دربار احتیاج بازر پیدا کرده است (اسلامی - وقت مجلس را برای چه میگیرید؟) پدر صور تیکه این احتیاج مبرم است البته ایشان مورد احتیاج را هم ذکر کرده اند بنده عرض میکنم از محل ۵ هزار لیره بپردازند و چون بانرخ فعلی ممکن است چندین میلیون ریال ضرر توجیه شده عملی میکنم که از پرداخت بقیه صد و پنجاه هزار لیره معاف باشند میفرمائید با اینکه قبول این امر هم مشکل بود ولی بعد از اینکه آن مرحوم وضعیت را علی الاصول و موقعیت مرا از نظر علاقه ای که بمن داشتند بیان و تاتار خود را از این مأموریت گفتند قرار شد میزان را صد هزار تومان در نظر گرفته و آنهاهم بقیمت روز لیره بدهند که پس از ۳ روز رفتن بدربار سه هزار لیره تقدماً و شش هزار لیره در موعد سه ماه و ششماه به بانک ملی حواله دادم که کلام بشود نه هزار لیره ضمناً همان شب بین من و مرحوم تیمور تاش قرار شد که چون ایشان عازم مسافرت اروپا در ممیت والا حضرت همایونی هستند در مراجعت اقدام خواهند کرد که این نه هزار لیره پرداختی هم اصولاً بابت تا کس صدور محسوب شود و بمرض همایونی سختی وضع مرا برای پرداخت ۱۵۰ هزار لیره خواهند رسانید البته این همان نه هزار لیره ای است که آقای حاجی امین اعلام داشتند که مرحوم تیمور تاش از ایشان گرفته در صورتیکه بعد در دنباله همین مطلب مینویسد مدتی گذشت و تیمور تاش از اروپا مراجعت و من موضوع محسوب داشتن نه هزار لیره را در مقابل تا کس صدور تعقیب مینمودم ولی میدیدم که تیمور تاش از لحاظ موقعیت خود در محظورات افتاده البته محظورات سیاسی مقصود شاست و ضمناً برای قولی که ببنده داده اند عقب راه چاره میگردند تا اینکه یک روزی بمن گفتند که شما باید بقیه آقای تقی زاده وزیر مالیه را ببخشید و از ایشان بخواهید که بمرض برسانند که این نه هزار لیره پرداختی بابت تا کس صدور محسوب شود و من هم کمکهای لازم را خواهم نمود اینجا بنده علاقه دارم که آقایان تمتع بکنند که این نه هزار لیره که رشوه بوده که مرحوم تیمور تاش گرفته و گفته بقیه وزیر مالیه وقت که ظاهر آ مایه خوبی هم با تیمور تاش نداشته بگیرند که بمرض شاه برسانند بلکه بواسطه وساطت ایشان بابت تا کس صدور حساب شود من آقای تقی زاده را ملاقات و با هر چه اصرار بود وادار نمودم که بمرض برساند و ایشانهم اقدام کردند ولی منتج بنتیجه ای نگردید و اعلیحضرت شاه نیز فرمودند که بابت تا کس صدور محسوب شود طولی نکشید که تیمور تاش هم از خدمت دربار معاف گردید و دیگر برای من راه تعقیب باقی نماند آقایان اگر این نه هزار لیره رشوه بود آیا ممکن بود که تیمور تاش بگوید شما به تقی زاده بگوئید که بمرض برساند دیوانه که نبود اتفاقاً موقعیکه معاکمه در جریان بود مرحوم تیمور تاش استناد باین اقلام کرد و محکمه سؤال کرد کتباً

از آقای تقی زاده که آیات چینی چیزی واقعه شده یا نه؟ آقای تقی زاده هم کتباً جواب دادند که این صحت دارد این امر که من زفتم خواهش کردم که بابت تا کس صدور حساب شود و نامه هم در پرونده موجود است معذک مرحوم تیمور تاش محکوم شد و آقای حاج امین تبرئه شد برای رویه آبی که در تحقیقات اتخاذ کرده بود. بنده امروز میخواهم بعد از ۱۴ سال باین رویه تحقیقاتیکه آن روز مورد عفو ایشان شده اعتراض بکنم و آقایان نمایندگان محترم اعلام خطر بکنم که تا این نوع تحقیقات و معاکمه و محکومیت در مملکت شما هست هیچکدام از شما امنیت قضائی ندارید (صحیح است) (اسدی - متأسفانه حالا هم بجائی نرسید) هر چند من شخصاً برای خودم اشکالی نمی بینم که یک شخصی البته خیلی سخت است جلو آقای حاج امین بگویم برای اینکه عرض کردم که غیر از احترام و معیت هیچ چیز نسبت بایشان در قلب خودم حس نمیکنم من ایشان را یکی از بهترین و کلا در مجلس میدانم ولی متأسفانه این لغزش در تاریخ حیات ایشان هست باینکه برای خودم این قسمت مشکل است از آقایان خواهش میکنم برای اثبات بطلان این معاکمه و محکومیت باعتبار نامه ایشان رأی بدهم که مجلس رأی خودش را داده باشد این محکومیت همه آقایان میدانند که ۰۰۰۰ (برزین - این محکومیت مرور زمان شاملش شده) من از لحاظ اخلاقی میگویم از لحاظ حقوقی می گویم از لحاظ جنبه اخلاقی می گویم آقای حاج امین خودم که اظهار مخالفت کرده ام رأی خولم داد و از مجلس هم خواهش می کنم رأی بدهد و این اقرار ضمنی است برای اینکار.

رئیس - آقای دکتر متین دفتری شماراجع بماده ۱۰۹ میخواهید صحبت کنید؟

دکتر متین دفتری - بلی راجع به ماده ۱۰۹ میخواهم صحبت کنم ولی اگر اجازه من محفوظ باشد برای بنده من حالا حرفی ندارم بعضی از نمایندگان - تنفس بدهید.

نراقی - آقای رئیس بنده هم اجازه میخواهم.

رئیس - آقای دکتر متین دفتری بفرمائید.

دکتر متین دفتری - بنده بعنوان ماده ۱۰۹ میخواهم صحبت بکنم و چون صحبت بنده راجع بسائل اساسی است ابتدا عرض میکنم که هرایش بنده خیلی مفصل است چون فقط بنده نمی خواهم از حق خودم دفاع کنم و اگر فرمایش آقای فرامرزی فقط بشخص من بر میخورد من صرف نظر میگردم ولی چون بیک مسائل اساسی و قوه قضائی مملکت بر میخورد باید مفصل صحبت بکنم بنده راجع بدادگستری میخواهم صحبت کنم در این موقع همه ای از نمایندگان از تالار جلسه خارج شدند و مجلس از اکثریت افتاد.

رئیس - تمام آقایانیکه بدون اجازه بیرون میروند اسمشان را یادداشت بکنند.

بعضی از نمایندگان - چون وقت دیر شده وصحت ایشانهم مفصل است تنفس بدهید و اجازه بفرمائید آقای دکتر متین دفتری در جلسه آئینه صحبت بکنند.

(در این موقع جلسه بعنوان تنفس در ساعت ۹ نیم بعد از ظهر ختم و روز سه شنبه موقوف گردید.)

اجرای مجلس

کمسیون بودجه ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۶ دی ماه بریاست آقای بهبهانی تشکیل با حضور آقایان معاونین وزارت دارائی و آقای پیرنیا معاون نخست وزیری بودجه اداره بازرسی نخست وزیری مطرح پس از مذاکرات مفصل و توضیحاتی که آقای پیرنیا دادند رای بلزوم بازرسی نخست وزیری گرفته رد و قرار شد منعل شود و جلسه مقارن ظهر ختم شد جلسه آتی به بروز ۳شنبه ساعت ۹ صبح موکول و دستور بودجه دربار بودجه نخست وزیری و تقاضای کارمندان جزء معین گردید .

فائین بی اجازه آقایان نیک پور دکتر شفق با اجازه آقایان شهاب خسروانی افغمی اورنگ



روز سه شنبه ۸ دیماه ۲۶ که مقرر شده بود سه ساعت قبل از ظهر کمیسیون بودجه تشکیل شود بواسطه عدم حضور عده ای رسمیت نیافت و یکساعت قبل از ظهر آقایان حاضرین متفرق شدند .

فائین بی اجازه آقایان امیر تیمور - مهندس رضوی - دکتر عبده - صادقی .

فائین با اجازه آقایان شهاب خسروانی - وثوق اورنگ - دکتر امینی - دکتر راجی - دکتر شفق نیک پور

آقای ضیاء ابراهیمی یکساعت ونیم تأخیر بی اجازه

برنامه دولت آقای حکیمی ۳۵ بمجلس تقدیم شده است

آقایان نمایندگان محترم

شاید بعضی از دوستان اینطور تصور نمایند که برای اینجانب در این مرحله از عمر بهتر است از تحمل بار سنگین کار نخست وزیری احتراز و بقیه زندگانی خود را با استراحت بگذرانم ولی بنده خود داری هر ایرانی وطن پرست را با اوضاع بفرنج کنونی از خدمتگذاری صادقانه بمملکت جایز نیدانم و نظر بخدمات صمیمانه که در هر موقع بکشور نموده ام و مورد تشویق ملت واقع شده ام اکنون که باز از طرف مجلس شورای ملی از روی کمال لطف پانینجانب ابراز تمایل شده و از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز افتخار مأموریت تشکیل کابینه را یافته ام شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت را گناه میدانم و با احترام اوامر ملوکانه

و بمنظور امتنان از توجه ملک و نمایندگان محترم برای انجام خدماتیکه از من ساخته باشد مهیا شوم اینجانب ادعای نمیکنم تمام انتظاراتی را که ملت ایران از یک دولت خدمتگذار صمیمی دارد در مدت کوتاه انجام دهم ولی با قوت قلب عرض میکنم که بتناسب فرصتی که مجلس شورای ملی بما بدهند و درجه تقویت و مساعدتی که بفرمایند اطمینان کامل داشته باشند که این جانب و همکارانم نشان خواهیم داد که بر راستی و درستی و با کمال جدیت و صداقت و صمیمیت برای آسایش و رفاه حال هموطنان عزیزمان کوشش خواهیم نمود و موجبات رضایت خاطر مبارک ملوکانه و ملت و مجلس شورای ملی را بخواست خداوند بتدریج فراهم خواهیم آورد

آقایان محترم مستحضرنند که این جانب از جاه طلبی و خودنمائی و خیالات شیطانی و ظلم و تعدی و تبعیض تنفر دارم و اگر تصمیم وعزم راسخ نداشتهم که بتناسب فرصتی که بما میدهند و تقویتی که می فرمائید برای بهبود وضع مملکت و ملت جد و جهد کنم هیچگاه با وضع مشکل امروز کشور قبول مسئولیت نمی کردم و خود را با نام نیکی که بفضل الهی تحصیل کرده ام در ایندوره از زندگی دچار زحمت بیهوده نمی نمودم بنا بر این با استظهار به عنایت و توفیق و لطف خداوند که همواره امیدوارم در هر حال شامل ما باشد همکاران خود را معرفی و با اجازه مجلس شورای ملی شروع بکار می نمائیم و امیدواریم پیش از پیش آقایان نمایندگان محترم برای بهبود احوال ملت از این دولت پشتیبانی فرمایند

در باره برنامه تاکنون معمول بوده است که وعده های زیاد بملت ایران و مجلس شورای ملی بدهند بدون اینکه فکر توانائی خود یا فرصت انجام آنرا نمایند اینجانب بهتر میدانم که از اصلاحات و اقدامات آنچه باید زودتر شروع شود فعلا با اختصار بمرض برسانم بعد بتدریج آنچه ملت و مجلس شورای ملی از ما انتظار دارند و همان منویات خاطر مبارک ملوکانه میباشد که بارها بدولت امر فرموده اند به صورت لوایح قانونی بتصویب مجلس شورای ملی رسانده انجام دهیم .

چنانکه عرض شد با اوضاع کنونی کشور وظایف دولت در خدمت ملت مملکت زیاد است و انجام آنها محتاج بوقت و تقویت مجلس شورای ملی است و فعلا آنچه که مصمم هستیم شروع نمائیم از این قرار است :

۱ - فراهم کردن تدریجی موجبات آسایش طبقات زحمتکش و تعدیل زندگی ملت مخصوصاً به وسیله سبک کردن بار تحمیلات ضعفا .

۲ - حذف اعتباراتیکه برای مخارج تجملی و غیر ضروری در بودجه منظور شده .

۳ - توجه مخصوص با اعتبارات و مخارجی که برای آبادی کشور و سلامت و فرهنگ و آسایش عامه لازم است و نفع آن مخصوصاً طبقات ضعیف میشود و زندگی آنها را بهتر میکند .

۴ - سعی در اجراء و رعایت دقیق قوانین برای ایجاد اعتماد و اطمینان در مردم و توسعه فعالیت آنان مبارزه با فساد .

۵ - مراقبت در سهل و ساده کردن قوانین دادگستری بمنظور تسریع قطع و فصل دعاوی و احقاق حق مردم .

۶ - جلوگیری از سوء استفاده هائیکه از قانون انحصار تجارت بضرر عامه بعمل میاید .

۷ - اصلاح تدریجی وزارتخانه ها و آموزشگاهها و مؤسسات و اجرای قانون تعلیمات اجباری .

۸ - اصلاح و تقویت قوای تأمینیه بتناسب احتیاجات کشور .

۹ - تقدیم لوایحی بمجلس شورای ملی به منظور اینکه مردم هر محل در امور محلی خود از قبیل کارهای فرهنگی و بهداشتی و بلدی وغیره بیش از پیش مداخله نمایند .

سیاست خارجی دولت همواره سعی کامل در تشبید و تحکیم روابط حسنه و علائق مودت و رعایت کامل احترام متقابل با دول دوست مخصوصاً با ملل همسایه و توسعه ارتباط اقتصادی با آنها و وفاداری و علاقمندی کامل بسازمان ملل متحد میباشد نهایت کوشش بعمل خواهد آمد که علائق صمیمانه بین ما و دولتهای بزرگ که با شرکت خودمان شالوده این سازمان را نهادنند محکمتر گردد .

در خانه از مجلس شورای ملی تمنا دارم در تصویب آنچه با اختصار اینجا عرض شده تسریع فرمایند و اجازه بدهند مشغول کار شویم که انتظارات ملت ایران زودتر بر آورده شود .

- آقای دکتر محمد سجادی وزیر اقتصاد ملی
- » مصطفی عدل وزیر مشاور
 - » علی متمدنی وزیر راه
 - » دکتر سیاسی وزیر فرهنگ
 - » سعید مالک وزیر بهداری
 - » محمد سروری وزیر دادگستری
 - » ابوالقاسم نجم وزیر دارائی
 - تیمسار سیهید یزدان پناه وزیر جنگ
 - سر لشکر فرج الله آق اولی وزیر کشور
- آقای محمد علی وارسته وزیر پست و تلگراف
وزیر خارجه و وزیر کشاورزی بعداً معرفی خواهند شد .

وزارت کار هم فعلا تحت نظر وزیر اقتصاد ملی خواهد بود تا تکلیف قانونی آن معین گردد .